

تبریک آغاز سال نو میلادی

سال ۱۹۸۷، سال انعقاد نخستین قرارداد خلع سلاح به معنای واقعی آن بود، سالی که اگر روند آغاز شده ادامه یابد، تاریخ از آن به مثابه سال چرخش در اوضاع بین‌المللی یاد خواهد کرد. اما در آغاز سال جدید، جهان ما کماکان با مسائل عظیمی همچون جنگها، فقر و گرسنگی، بی‌کاری و عقب‌ماندگی مواجه است. مردم ایران، از همه عواقب شوم سلطه رژیم خونریز و جنگ‌طلب رنج می‌برند و در مبارزه با این رژیم، حمایت بشریت ترقی‌خواه را می‌طلبند. بکوشیم تا در سال ۱۹۸۸ نیز صدای حقیقی مردم خود را باز هم رساتر به گوش جهانیان برسانیم.

سال ۱۹۸۸ فرامی‌رسد. میلیاردها تن در سراسر کره خاک، آغاز سال نو را جشن می‌گیرند. ما آغاز سال نو میلادی را به همه انسان‌های شریفی که سال نو میلادی را جشن می‌گیرند، به ویژه هموطنان خود تبریک می‌گوییم. به امید آنکه سال جدید، سال صلح، سال پیشرفت، سال غلبه بر فقر و بی‌عدالتی باشد.

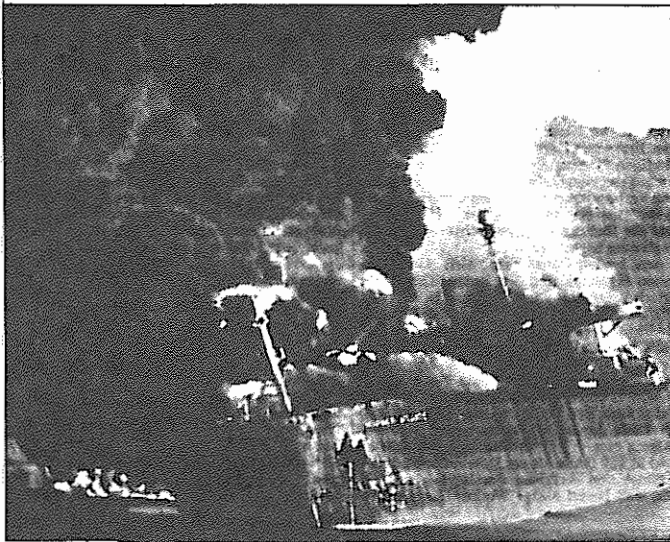
در کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی، سال ۱۹۸۷ به آغازی تعیین‌کننده برای بسیاری از روندهای اصلاحات و دگرگونی، به مرحله‌ای مهم در ارتقای سوسیالیسم به سطح عالی‌تر تبدیل شد. سال



دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۶ برابر ۲۱ دسامبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۸۸

از سرگیری جنگ "نفتکش‌ها"

* تنها طی دو روز ۷ نفتکش در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفتند
* جمهوری اسلامی سیاست افزایش تشنج در منطقه را تشدید کرده است



نفتکش "نورمان آتلانتیکا" با پرچم سنگاپور پس از حمله قایق‌های جمهوری اسلامی

نفتکش بزرگ "سوسنگرد" متعلق به ایران در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ آذر توسط جنگنده‌های عراقی هدف قرار گرفت. جمهوری اسلامی در باره خسارات وارده به این کشتی بزرگ سکوت کرد، اما وزارت خارجه نروژ از آنجا که ناخدای کشتی شهروند این کشور بود، در این باره اطلاعاتی منتشر ساخت. طبق اینس اطلاعات، تنها ۵ تن از خدمه نفتکش نجات یافته‌اند و ۲۱ تن مفقودالثر شده‌اند. ناخدای نروژی، از کشتگان حادثه است. دومین حمله مهم در این دور از

طی دو هفته گذشته "جنگ نفتکش‌ها" در خلیج فارس اوج گرفت. جمهوری اسلامی با شدت و گستردگی و با هدف غرق ساختن کشتی‌ها و نفتکش‌ها حمله به شناورهای دریایی را افزایش داده است. اگر در دوره‌های قبلی تشدید حملات به کشتی‌های غیر نظامی اغلب موارد به آسیب جزئی ختم می‌شد و کشتی‌ها را از آدامسه حرکت باز نمی‌داشت. در دوره اخیر، آنچه که چشمگیر است، شدت ضربات وارده به کشتی‌هاست، تا به حدی که به غرق چندین کشتی طی مدت مزبور انجامیده است.

"جنگ نفتکش‌ها" حمله قایق‌های جمهوری اسلامی به یک نفتکش عظیم تحت پرچم قبرس در روز جمعه ۲۰ آذر بود. این نفتکش ۲۲۲۱۶۴ تنی با نفت عربستان سعودی در حال حرکت به سوی تنگه هرمز بود تا از خلیج فارس خارج شود نفتکش مزبور بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- نگاهی به تصمیمات اجلاس اخیر اوپک
حفظ‌بهای سابق نفت
در صفحه ۲
- تجاوز به حقوق بشر
بنیان جمهوری اسلامی
در صفحه ۲
- کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه
در صفحه آخر
- فلسطین: ترازوی چهل ساله
در صفحه ۸

رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، اشغالگران صهیونیست در مقابل با گسترده‌ترین جنبش‌توده‌ای در سالهای اخیر، تا روز دوشنبه ۱۴ دسامبر دست به کشتار ۲۲ تن و مجروح کردن ۱۹۶ تن از مردم زدند. در طول هفته گذشته بر شمار قربانیان وحشیگریهای صهیونیستها افزوده شد. نوار غزه ۶۵۰ هزار سکنه دارد. در روز دوشنبه ۱۴ دسامبر، در این منطقه اعتصابی عمومی آغاز شد. مردم خیابان‌ها را سنگر بندی کرده، در برابر واحدهای ارتش اسرائیل به پرتاب سنگ، آتش‌زدن لاستیک اتومبیل و اقدامات دفاعی مشابه توده‌ای متوسل می‌شوند. برنارد میلز، رئیس سازمان امدادیه آوارگان وابسته به سازمان ملل، مستقر در نوار غزه اقدامات سرکوبگرانه ارتش اسرائیل را شدیداً محکوم کرد و اظهار داشت برخی فرادارثشویلیس اسرائیل از شلیک به سوی مردم لذت می‌برند. اکثر قربانیان این جنایات را نوجوانان تشکیل می‌دهند. بقیه در صفحه ۱

قیام در نوار غزه

هفته گذشته، حرکات اعتراضی مردم ساکن مناطق اشغالی فلسطین و به ویژه نوار غزه، که در شماره پیش خیر آغاز آنرا دادیم، گسترش یافت و به حدی که قیام مردمی رسید. به گفته یاسر عرفات



صهیونیستها دو میهن‌پرست فلسطین را دستگیر کرده‌اند

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

تجاوز به حقوق بشر، بنیان جمهوری اسلامی

۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، بیانیه جهانی حقوق بشر در ۳۰ ماده انتشار یافت. به مناسبت ۳۹ امین سالگرد انتشار این بیانیه، نشریه فرانسوی زبان "اخبار ایران" دست به انتشار مطلبی تحت عنوان "تجاوز به حقوق بشر، بنیان جمهوری اسلامی ایران" زد. در این مطلب، قانون جزای جمهوری اسلامی و برخی تناقضات آشکار این قانون با مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر، نشان داده شده است. مابیه درج ترجمه قسمت هایی از این مطلب می پردازیم:

حق شکنجه نشدن

ماده پنجم بیانیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارد: "هیچ فردی نباید شکنجه شود، نباید به مجازات و رفتار وحشیانه غیر انسانی و آزاردهنده محکوم گردد".

قانون جزای جمهوری اسلامی حاوی مجازات هایی است که بداندساز شکنجه، رفتار وحشیانه، غیر انسانی و آزاردهنده نام دیگری نمی توان نهاد. بطور مشخص می توان به سنگسار کردن، مصلوب کردن، تازیانه زدن، قطع عضو... اشاره کرد.

مجازات هایی که در مواد مختلف قانون جزای جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده اند، نشان دهنده اراده و قصد آگاهانه و جنون آمیز جهت ایجاد دردی آزاردهنده که گاهی نیز باید به مرگ منتهی گردد، هستند:

سنگسار کردن: ماده ۱۱۹
قانون حدود و قصاص در مورد مجازات زنا چنین می گوید: "بزرگی سنگ در رجم (سنگسار) نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو تای آن شخص کشته شود و نیز کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند".

مصلوب کردن: از ماده ۲۰۷
قانون حدود و قصاص به روشنی استنباط می توان کرد که هدف از مصلوب کردن وارد کردن دردی آزار دهنده به "محکوم" است به ترتیبی که وی در اثر این درد بمیرد. این ماده در مورد مجازات کسانی که به جرم "محارب" (کسی که با خدا وارد جنگ شده است - محکومیت نیروهای انقلابی) یا به "مفسد فی الارض" محکوم شده اند، اشعار می دارد:
"مصلوب کردن مفسد و محارب یا ابط زین انجام می گیرد:

الف: نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب: بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می توان او را پس از مرگ پائین آورد.

ج: اگر بعد از سه روز زنده بماند، نباید او را کشت.

ماده سوم قرار داد ژنو در مورد حفاظت غیر نظامیان در زمان جنگ که مورد قبول رسمی جمهوری اسلامی نیز هست، موارد ممنوعه زیر را بر می شمارد:
"تجاوز به زندگی افراد و به تمامیت جسمی آنها، بطور مشخص قتل تحت هر شکلی که باشد، قطع عضو، رفتار آزار دهنده، شکنجه و مجازات بدنی".

تازیانه زدن: مواد بیشماری از قانون حدود و قصاص و نیز تعزیرات، تازیانه را بعنوان جزای جرم اعلام می کنند. بعنوان مثال، ماده ۱۳۲ قانون حدود و قصاص پیش بینی می کند:
مرد را در حالیکه ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد وزن رادر حال نشسته که لبهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند".

در اینجا ما قسمتهایی از گزارشات اسیران فدایی را که در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه قرار گرفته اند، یادآوری می کنیم.
"بعد از شلاق زدن (با شیلنگ آب یا کابل سیمی)، معمولاً نوبت "دستبند چپانی" می رسد. دستها را در حالیکه یکی در پائین قرار دارد و دیگری از پشت کردن آمده است، حتی الامکان می کشند و بادستند بهم دیگر می بندند... اسیر را ممکن است تا چندین روز در این حالت بگذارند... بعد از این شکنجه های "مستقیم"، بسیار پیش می آید که زندانی را از یک هفته تا چند ماه، با چشهای بسته در گوشه ای از راهرو بیندازند تا صدای ناله و فریاد مبارزین دیگر را از "اطاقهای تمشیت" بشنود و زجر بیشتری ببیند... از مقاله "اینجا بند ۲۸۰ است" - اکثريت شماره ۱۱.

در دسامبر ۱۹۸۴ دکتر رجایی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، در دفاع از موضع جمهوری اسلامی و ارتباط و انطباق آن با بیانیه جهانی حقوق بشر، از جمله چنین می گوید:

"... ما فکر می کنیم که اگر اعدامها و مجازات های بدنی بر اساس قوانین اسلامی اجرا شوند، شکنجه به حساب نمی آیند... ما هر نوع شکنجه، از جمله مجازات هایی بدنی و اعدام را تا زمانی که بر اساس رهنمودهای اسلامی صورت نگرفته اند، محکوم می کنیم." (کیهان ۲۲ آذر ۱۳۶۲)

حق آزادی عقیده

ماده ۱۸ بیانیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارد:
"هر فردی حق برخورداری از آزادی عقیده، ایمان و مذهب را داراست...". ماده ۱۹ این بیانیه اعلام میکند: "هر فردی باید از آزادی اندیشه و بیان برخوردار باشد" و ماده ۲۰ بیان می کند: "هر فردی باید از آزادی شرکت در تجمیع و انجمن های غیر نژاد آمیز بهره مند شود".

برخورد کردن به مواد متعددی از قانون جزای جمهوری اسلامی که اندیشه و عقاید دیگری غیر از اندیشه و عقاید حاکم را مورد سرکوب قرار می دهد، امر نادری نیست. بعنوان مثال، ماده ۱۱ قانون تعزیرات چنین اعلام می کند: "هرگاه ثابت شود که گروهی در خفا برای برهم زدن امنیت کشور دسته بندی و سازماندهی نموده و تصمیم گرفته اند ولی قصد براندازی نداشته باشند، به حبس یکسال تا ۱۰ سال محکوم خواهند شد".

حق برخورداری از

محاكمه ای عادلانه

مواد ۷ تا ۱۱ بیانیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارند: "تمامی افراد در مقابل قانون با هم برابرند و بدون هیچ تمایزی نسبت به یکدیگر، بطور مساوی تحت حفاظت قانون هستند... هر فردی حق درخواست تجدید نظر در مقابل دستگاه قضایی کشور خود را داراست... هر فردی که متهم به جرمی شده است، تا اثبات اتهام، بی گناه محسوب می شود...".

بر اساس قانون جزای جمهوری اسلامی، حاکم شرع در عین آنکه نقش دادستان را داراست، ناظر بر اجرای حکم نیز هست. حاکم شرع مجبور به ارائه دلیل و برهان حکم نیست. "علم قاضی" امری غیر قابل انکار

است. ماده ۲۷ قانون حدود و قصاص در مورد راههای ثبوت قتل چنین بیان می کند:

"راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از: ۱ - اقرار ۲ - شهادت (دادن) ۳ - قسامه (سوگند یاد کردن) ۴ - علم قاضی. در بالا دیدیم که در سیاهچالیهای جمهوری اسلامی، همه وسایلی برای "کشیدن اقرار" موجه هستند. اهمیتی که قانون جزای ج.ا. به "اقرار" می دهد در ماده ۲۸ قانون حدود و قصاص مشهود است: "با اقرار به قتل عمد، گرچه یک مرتبه هم باشد، قتل عمد ثابت می شود".

"تساوات در محاکمه" با دست یازیدن به "قسامه" و به شهادت چند "مرد عادل" زیر پا گذاشته می شود. عامل "علم قاضی"، حاکم شرع را ماورا و بالاتر قانون قرار می دهد. این پدیده ای است که به دیده انسانهای متقدم، چیزی جز خودسری و بی قانونی نیست. در واقع این بی قانونی قانونی شده است.

اصل بی گناهی تا اثبات اتهام

قانون جزای جمهوری اسلامی، این اصل را به رسمیت نمی شناسد بعنوان مثال ماده ۲۸ قانون حدود و قصاص در مورد اتهام به قتل چنین اعلام می کند:

"در موارد لوث، ابتدا از مدعی علیه شهود معتبر مطالبه می شود...".

همین ماده ۲۸، عوامل شهادت و قسامه (سوگند یاد کردن) را که بعنوان راههای اثبات قتل می شناسد. چنان ساده می کند که شکل نهایی این ماده، شکل مسخره ای بخود می گیرد:

"... مدعی می تواند برای اثبات مطلب خود چهل ونه نفر مرد از خویشان و بستگان خود را که از وقوع قتل آگاهی داشته باشند دعوت کند تا به اتفاق اوجه اثبات دعوی قسم یاد کنند و چنانچه عدد آنها کمتر از نصاب باشد، قسم را تکرار کنند تا پنجاه تکمیل شود و اگر مدعی بستگانی ندارد یا بستگانش آگاهی ندارند یا حاضر به قسم نیستند خود مدعی می تواند پنجاه بار سوگند یاد کند تا دعوی او ثابت گردد...".

قانون جزای جمهوری اسلامی، یک هیولای قضایی است. هیولایی که از اعماق قرون بیرون کشیده شده است. این قانون باید عمیقاً تحلیل و مطالعه شود. شناساندن این قانون و مواد آن به افکار عمومی جهان، به وکلا و نیروهای دمکرات سراسر جهان، و وظیفه ای مهم و عاجل است. ●

نگاهی به تصمیمات اجلاس اخیر اوپک

حفظ بهای سابق نفت

اجلاس وزرای نفت کشورهای عضو سازمان کشورهای مادرکننده نفت (اوپک) که در وین پایتخت اطریش جریان داشت، روز ۲۳ آذرماه با صدور اطلاعیه‌ای در زمینه موافقتنامه کشورهای عضو، به کار خود پایان داد. مشکلات و مسائلی که اوپک با آنها روبرو بود قبل از اجلاس اخیر، نه تنها کاهش نیافته بود، بلکه پایین آمدن نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزهای قوی جهان که منجر به کاهش جدی درآمد کشورهای عضو گردیده است نیز بر دوش اجلاس سنگینی می‌کرد. جبهه‌گیری‌های سیاسی و تئوریک خلیج بر مواضع کشورهای عضو از همان آغاز اجلاس مشهود بود و درست به همین واسطه، گزارشگران و کارشناسان، در سراسر طول برگزاری اجلاس، اخبار و شواهدی دال بر عدم موفقیت کار اجلاس منتشر می‌کردند.

بدین ترتیب خواسته‌های سه‌گانه جمهوری اسلامی که عبارت بودند از افزایش دو دلار به بهای هر بشکه نفت به منظور خنثی کردن اثر کاهش نرخ

دلار، مجبور ساختن عراق به پذیرش سهمیه بندی تولید نفت و کاهش سقف تولید نفت اوپک و در موازات با آن، درخواست عراق برای افزایش سهمیه تولید نفت خود معادل سهمیه نفت جمهوری اسلامی، درخواست عربستان سعودی و کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج مبنی بر حفظ بهای پایه سابق معادل ۱۸ دلار به ازای هر بشکه، مسئله افزایش غیرقانونی تولید نفت برخی از کشورهای عضو، از جمله مسائلی به حساب می‌آمدند که در برابر اجلاس اخیر قرار داشتند. باید خاطر نشان ساخت که بخش اعظم این مسائل از اجلاس اوت ۱۹۸۶ تا امروز در بین کشورهای عضو سازمان طرح بوده و تاکنون مرتفع نشده‌اند. روز ۲۳ آذر ماه رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که بهای نفت "برنت" دریای شمال در بازار نفت اروپا ۹۵ سنت کاهش داشته و به ۱۵/۹۵ دلار به ازای هر بشکه رسیده است. کاهش یکباره بهای نفت "برنت" که از مارس سال جاری تاکنون بی‌سابقه بوده است بر حدت مسائل مطروحه در اجلاس اوپک افزود.

لقمان وزیر نفت نیجریه که ریاست اوپک را برعهده دارد در مصاحبه‌ای که پس از اختتام اجلاس صورت گرفت، خاطر نشان ساخت که اجلاس تصمیم گرفته است توافقنامه گذشته را تا اجلاس بعدی اوپک تمدید کند. اوپک، سازمان کشورهای مادر کننده نفت، بدون در نظر گرفتن اجلاسهای فوق العاده، هر شش ماه یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. بدین ترتیب و طبق اطلاعیه رسمی اوپک، توافقنامه گذشته سازمان تا اجلاس بعدی که در ماه ژوئن برگزار خواهد شد، تمدید شده و ۶ ماهه نخست سال میلادی جدید را در برمی‌گیرد. براین اساس، بهای نفت اوپک در حد همان ۱۸ دلار بازاری هر بشکه باقی خواهد ماند. اجلاس همچنین تصمیم گرفته است که سقف تولیدی اوپک را برای ششماهه نخست سال آتی تا حد ۱۵/۰۶۰ میلیون بشکه در روز حفظ کند. باید خاطر نشان ساخت که سقف

تولیدی نفت اعلام شده از سوی اوپک، میزان تولید نفت عراق را در بر نمی‌گیرد. میزان سهمیه تولید نفت عراق طبق مصوبه اجلاس گذشته معادل ۱/۵۴ میلیون بشکه در روز تعیین شده بود. عراق چه امروز و چه آنگاه از پذیرش سهمیه فوق سرباز زد و اعلام کرد که خواهان سهمیه ای - معادل سهمیه جمهوری اسلامی، یعنی ۲/۲۳۹ میلیون بشکه در روز است. بدین ترتیب عراق در اجلاس اخیر نیز بسان اجلاس گذشته در توافقنامه سازمان شرکت نکرد. طبق اخبار منتشره از سوی کارشناسان بین‌المللی امور نفت، میزان تولید نفت عراق با احتساب کمکهای کویت و عربستان سعودی، روزانه بالغ بر ۲/۸ میلیون بشکه در روز است. لقمان وزیر نفت نیجریه که ریاست اجلاس را برعهده دارد دو روز پیش از اختتام اجلاس طی مصاحبه‌ای از موضع عراق انتقاد کرد و افزود که سیاست عراق میتواند بر مشکلات اوپک بیافزاید.

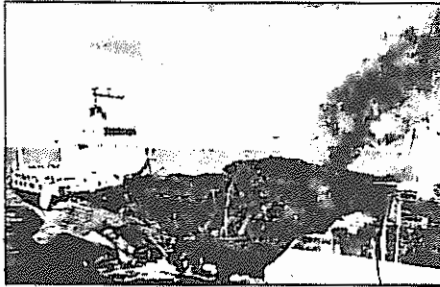
سقف نفت تولیدی اوپک معادل ۱۵/۰۶ میلیون بشکه در روز که از سوی اجلاس اخیر تعیین شد - منهای سهمیه باز عراق - بنا به نظر کارشناسان امور نفتی، در صورت رعایت آن از سوی کشورهای عضو مانع از کاهش بهای نفت خواهد شد. این در حالی است که بنا به اخبار رسمی، میزان تولید نفت اوپک بعلت تولید مازاد برخی از کشورهای عضو در ماههای گذشته، ۱۹ تا ۲۰ میلیون بشکسه در روز گزارش شده بود.

قابل ذکر است که آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی، پیش از اختتام کار اجلاس، وین را به قصد تهران ترک کرد. عده‌ای از مفسرین غربی علت سفر وزیر نفت جمهوری اسلامی به تهران را مربوط به بیماری خمینی دانسته‌اند اما آقا زاده وزیر نفت در مصاحبه‌ای اعلام کرد که به قصد کسب تکلیف در قبال تصمیمات اوپک راهی تهران شده است. بدین ترتیب کاظم پور اردبیلی معاون آقا زاده، توافقنامه اوپک را امضا کرد.

اجلاس نوبتی اوپک به کار خود خاتمه داد، اما مشکلات و مسائل برجای ماندند. احتمال تزریق بیشتر نفت به بازار از طریق تولید غیرقانونی برخی از اعضا، منتفی نیست. لقمان رئیس اوپک اعلام کرده است که بر امر تولید نفت کشورهای عضو کنترل بیشتری صورت خواهد گرفت، اما تجربه ماههای گذشته نشان داد که برخی از کشورهای عضو و بویژه کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج مصوبه اجلاس را رعایت نکرده‌اند. احتمال افزایش تولید نفت، احتمال کاهش بهای نفت را بدنبال دارد. سهمیه باز عراق نیز میتواند بر حدت مشکلات بیافزاید. از سوی دیگر اجلاس اخیر اوپک موفق نشد برای مشکلات قدیم راه حلی ارائه نماید و تنها موضوع را به ۶ ماه بعد - اجلاس ژوئن - موکول کرد. بدین ترتیب اجلاس اخیر اوپک که وارث مشکلات اجلاس قبسل بود، همان مشکلات را، به اجلاس بعد منتقل نمود.

از سرگیری جنگ "نفت کش‌ها"

بقیه از صفحه اول



نفت کش یونانی "آریادنا" که در حضور یک کشتی جنگی آمریکایی مورد حمله نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت.

بر اثر این حمله کاملاً آتش گرفت.

جمهوری اسلامی همچنین در همین روز دو نفت کش یونانی را مورد حمله قرار داد. یک نفت‌کش یونانی دیگر نیز دوبار توسط قایق‌های جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت. بار دوم، حمله به قدری شدید بود که خدمه نفت‌کش ۱۰۲۰۸۸ تنی "آریادنا" ناچار به ترک کشتی شدند.

در روز چهارشنبه ۲۵ آذر "جنگ نفت‌کش‌ها" ادامه یافت. نفت کش یونانی "اورلدپروسس" توسط جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفت. در همین روز نیروی هوایی عراق در نزدیکی سواحل ایران به سوی یک نفت‌کش بزرگ شلیک کرد. همزمان با تشدید مجدد جنگ در خلیج فارس،

خبرگزاری رویتر گزارش داد که حمله قایق‌های سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به نفت کش یونانی "آریادنا" در حالی صورت گرفت که یک کشتی جنگی آمریکایی در نزدیکی محل حادثه به سر می‌برد.

فرمانده این کشتی با استناد به اینکه دستور پنتاگون مداخله نیروهای آمریکایی را تنها در صورت حمله به کشتی‌های حامل پرچم آمریکا پیش‌بینی کرده است، از کمک به کشتی یونانی خودداری کرد. متقابلاً هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد جمهوری اسلامی با نیروهای آمریکایی در خلیج فارس درگیر نخواهد شد و تنها به کشورهای عربی خلیج ضربه وارد خواهد کرد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز جمعه ۲۷ آذر ماه اعلام کرد که نفتکش عظیم ۲۸۰ هزار تنی عربستان سعودی در ۲۰ کیلومتری آبهای دومی سورد حمله قایق‌های توپدار (جمهوری اسلامی) قرار گرفته است.

بیمه لویدز گزارشی در مورد خسارات کشتی‌ها در جنگ خلیج انتشار داد. مطابق این گزارش تاکنون تعداد ۴۲۰ فروند کشتی هدف قرار گرفته‌اند که از این تعداد ۱۵۵ مورد در طی سال ۱۹۸۷ بوده است. براساس این گزارش تاکنون ۱۰۰ ملسوان کشته شده‌اند.

اجرای قانون جدید ارتش در نیروهای مسلح آغاز شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد که طرح نوین ارتش به زودی در شهربانی اجرا خواهد شد. اجرای این قانون از هفت آذر آغاز شده و واحدهای عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح نظارت بر اجرای آن را برعهده گرفته‌اند. دستور اجرای قانون جدید دو هفته پیش از سوی غلامرضا صفایی نماینده خمینی و سرپرست سازمان عقیدتی سیاسی ارتش اعلام گردید. وی که در جمع فرماندهان نظامی و روحانیون واحدهای عقیدتی سیاسی سخنرانی می‌کرد، اعلام نمود: آن دسته از مواد قانون جدید ارتش جمهوری اسلامی ایران که نیاز به تدوین دستورالعمل و آیین‌نامه اجرایی نداشته باشد، از تاریخ ۶۶/۹/۷ لازم‌الاجراست و کلیه یگانها و واحدهای ارتش باید طبق آن عمل نمایند.

طبق قانون نوین ارتش "رکن ۲ سابق" و "رکن ۵" که هر دو از واحدهای اطلاعاتی می‌باشند به رسمیت شناخته شده و آنان موظفند گزارشهای خود را در اختیار وزارت اطلاعات، فرماندهی سپاه و فرمانده کل قوا (خمینی) قرار دهند.

محاکمه ایرانیان شغالکننده

سفارت جمهوری اسلامی در بلژیک آغاز شد

خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از رویترز گزارش داد که محاکمه تعدادی از ایرانیانی که روز ۱۹ شهریور سال جاری به عنوان اعتراض به حکومت ارتجاعی خمینی، سفارت جمهوری اسلامی در اسلسو را تصرف کرده بودند، آغاز شد. این عده که تعدادشان ۱۱ تن است روز ۱۹ شهریور (۱۰ سپتامبر) توسط پلیس نروژ دستگیر شدند. جمهوری اسلامی به این بهانه که آنان ۷ تن از کارکنان سفارت را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، در پی جلب نظر دولت نروژ برای ایجاد محدودیت‌های تازه برای ایرانیان مترقی در این کشور است.

ادامه اعتراض فوتبالیست‌ها به سیاستورزی رژیم

در پی اعلام اسامی دعوت شده‌گان به اردوی تیم ملی فوتبال، ۴ تن از بازیکنان دعوت شده با اعتراض به مسئولین فدراسیون فوتبال، از حضور در اردوی تدارکاتی تیم ملی خودداری کردند. ۳ نفر از این عده مستعفیان تیم ملی فوتبال پس از مسابقات قهرمانی آسیا در سئول بودند - هفته گذشته یکی از بازیکنان مستعفی بسا ارسال نامه ای به مطبوعات، ضمن اعتراض به تبلیغات رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی و عملکرد مسئولین ورزش، نوشت: "من و دیگر بازیکنان مستعفی در سئول هم قسم شدیم تا زمانی که شما مربیان تیم ملی هستید کار نکنیم و برای آن امضایی که کردیم ارزش قائل هستیم." نامه‌های مشابهی از سوی ۲ تن دیگر از بازیکنان نیز ارسال شد.

انتشار خبر در شرف مرگ بودن خمینی

یافته گذشته مطبوعات اروپایی گزارش‌های سی دایر بر وخامت وضع جسمی خمینی انتشار دادند. این خبر در سطح کشور و در میان ایرانیان خارج از کشور بازتاب وسیعی یافت. روز سه‌شنبه ۲۴ آذر - روزنامه تایمز لندن با استناد به منابع موثق در تهران اعلام کرد که خمینی را جهت مداوا به یکی از بیمارستان‌های تهران انتقال داده‌اند. گزارش "تایمز" حاکی از آن بود که خمینی از روز یکشنبه ۲۲ آذر در حالت اغما بود و یک هیات پزشکی ویژه، مرکب از پزشکان اتریشی و بریتانیایی مشغول مراقبت از وی هستند. تایمز نوشت که خبر مربوط به بیماری خمینی را از طریق پزشکان بریتانیایی وی و یکی از مقام‌های بلندیایه و نزدیک به رهبری جمهوری اسلامی کسب کرده است. خبر بیماری خمینی و حالت فوق‌العاده در جماران، روز یکشنبه با بازگشت ناگهانی آقا زاده از اجلاس اوپک، بیش از پیش قوت گرفت. وزیر نفت جمهوری اسلامی پیش از آنکه اجلاس خاتمه

یابد و بیانیه آن صادر شود، به طور غیرمترقبه وین را به قصد تهران ترک کرد. گفته شد که قطع جلسات عادی دولت در تهران موجب شد که آقا زاده نتواند از وین با موسوی‌خست وزیر تماس حاصل کند. روز دوشنبه بیانیه اوپک توسط کاظم پور اردبیلی معاون وزیر نفت امضا شد. اردبیلی طی گفتگو با خبرنگاران وخامت وضع جسمی خمینی را تکذیب کرد. در تهران نیز هاشمی رفسنجانی روز سه‌شنبه در مصاحبه ویژه با روزنامه کیهان گزارشهای مربوط به وخامت حال خمینی را تبلیغات مطبوعات غربی خواند و اظهار داشت که از تغییر وصیتنامه خمینی نباید "تعبیر سو" کرد.

رادیو جمهوری اسلامی همچنین اطلاع داد که رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی به منظور دیدار با منتظری و گفتگو پیرامون مسایل کشور وارد قم شد. یک هفته پیش از آن در جریان تغییر "وصیتنامه سیاسی - الهی" خمینی، منتظری و رفسنجانی در جماران بودند.

اعترافات یک نماینده مجلس درباره "قانون کار"

دارد، بنابراین گفتند که قرار دادن این مساده در قانون خلاف شرع است.

نماینده مزبور در مورد دیدگاه نمایندگان مجلس نسبت به کارگران گفت: برخوردی که با لایحه کار صورت می‌گیرد، برخوردی است که یک تاجر می‌تواند با انسانی - که او را کالا فرض می‌کند - داشته باشد. وی از نمایندگان خواست که "تاجرگونه با این مسایل برخورد نکنند که با صرفه است یا نه؟ بار مالی دارد یا نه و تاکید کرد حتی در نظامهایی که کارگرا به دیده "بزار" می‌نگرند برای "و حقوقی مانند تامین مسکن، خوراک، بهداشت، بیمه و... در نظر گرفته‌اند."

یک نماینده مجلس شورای اسلامی، در گفتگویی اختصاصی، با روزنامه اطلاعات، گوشه‌ای از مباحث طرح شده در مجلس بهنگام تصویب قانون کار را فاش ساخت. در بخشی از مباحث مربوط به قانون کار مصوب مجلس، مطالبات کارگران تحت عنوان "دیون ممتازه" از سوی مجلس رد شده است. یعنی اینکه اگر کارفرمایی با انبوه کارگر مزد بگیر و دچار ورشکستگی و یا رکود تولیدی شود به کارگران بدهی داشت حق دارد از پرداخت بدهی خود سرباز زند. در همین رابطه نماینده مزبور فاش ساخت که: بسا به استدلالی که بعضی از آقایان داشتند که اگر عیسن مال کسی در بین دارائی‌های فرد ورشکسته شده یا بدهکار باشد آن شخص می‌تواند عین مال خود را بر

مرک در دشت



یک سربا زعراقی در لحظه مرگ

از رنج‌های مردم

بخشی از يك نامه:

"..... روزی نیست که خانواده‌ای در مصیبت جنگ عزادار نباشد، همه منتظر خبری بد و ناگوار هستند. همه در اضطراب بسر می‌برند. از این نوع جملات همیشه می‌شنویم که: "شاید الان بعبسی بر سرمان افتاد و مردیم." شاید هم الان مدیر کارخانه بیاید و بگوید آقا بیون همه اخراجیست، اوضاع مملکت جنگی است و بودجه و مواد اولیه نداریم." "....." سربرجه، اگر صاحبخانه بیایسد و اجاره بخواهد چه کار کنیم؟ "....." مهمان اگر بیاید باید چه کار کرد؟" "....." بچه‌ها لباس بخوان چی بگم؟" "....."

در سه راه آذری همسر یک کارگر بیکار دفترچه بسیج و شناسنامه افراد خانواده را نزد بقال محل گرو گذاشت. بقال شرط پس دادن دفترچه بسیج و شناسنامه را دریافت طلب خود قرار داد. کارگر بیکار با هزار زحمت پولی تهیه کرد و به همسرش داد که به بقال بدهد. زن وی وقتی که بخانه برگشت دید که شوهرش خود را آتش زده و مرده است. مورد دیگری که در کارگاه خود ما اتفاق افتاد در ساعت ۱۲ شب کارگری بعلت گرسنگی مزمن و عدم تغذیه خوب و کافی درپای دستگاه بیهوش شد و بزمین افتاد. وقتی او را به درمانگاه بردیم، دکتر گفت چیزی نیست قدری غذا بخورد خوب می‌شود.

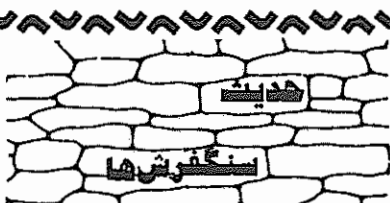
رژیم از وجود همین شرایط برای اعزام اجباری کارگران و کارمندان به جبهه استفاده می‌کند. پارسل کارخانه بمدت ۲ ماه بعلت قطع کار تعطیل اعلام شد. کارگرها پس از ۱۵ روز به کارخانه آمدند و خواستار حقوق شدند. شورا از طرف مدیریتت ماموریت یافت که سخنرانی کند. سخنگوی شورا گفت، برادرها هرکه حقوق می‌خواهد به جبهه برود. چونکه کارخانه پول ندارد. مهمه شهید. یکی از کارگرها گفت: آقای حزب اللهی پس برو و بعضی بیاور و ما و بچه‌هایمان را یکجا بکش چرا می‌خواهی اینطوری ما را بکشی. تعدادی برای جبهه ثبت نام کردند. از یکی از آنها وقتی برگشت

پرسیدم برای چی رفته بودی؟ جواب داد توکسه میدانی بی‌پولی یعنی چه، جواب زن و بچه را چی باید می‌دادم؟ رفتم لااقل حقوق عقب افتاده دوماه را گرفتم.

..... در یک محفل کارگری صحبت از اوضاع و احوال جامعه و کارخانه بود. یکی از کارگران می‌گفت "ما به تنگ آمده‌ایم مقصر را می‌شناسیم، دشمن را می‌شناسیم شما می‌گوئید چکار کنیم؟ شورا وابسته است، انجمن جاسوس است. چه بایسد کرد؟"

فشار بر کارمندان و اصناف نیز زیاد است. به سندیکای آلومینیم کاران گفتند فلان مبلغ بدهید تا سهمیه‌تان حفظ گردد. آنها حدودا مبلغ ۴ میلیون تومان به انضمام کلی درب و پنجره برای فلان محل ساخته و تحویل دادند. دارندگان کامیونها و کمپرسی‌ها و تعاونی‌های مسافری نیز همین وضع را دارند. در ترمینال جنوب خودم موردی را دیدم که سیاه جلوی اتوبوس با ۴۵ سرنشین را می‌گیرد و مسافری را پیاده می‌کند و اتوبوس را به جبهه اعزام می‌کند.

در یک پمپ بنزین، آخرهای شب یک کمپرسی آمد و گفت برایم گازوئیل بزن ما مور پمپ بنزین که از آشنایان ما بود به او گفت مگر نمی‌دانی که از ساعت ۱۰ شب به بعد دادن گازوئیل قدغن است؟ گفت: مجبورم اگر روز بیایم جلویم را می‌گیرند چون نمی‌خواهم به جبهه بروم. مسئول پمپ بنزین پرسید تا به حال گیر نیافتادی؟ جواب داد: "چرا بیکروز در آرامگاه پلیسی جلویم را گرفت و گفت چرا به جبهه نرفته‌ای؟ گفتم برای اینکه اعتقاساد ندارم. گفت مگر مسلمان نیستی؟ گفتم من مقلد امام هستم. پلیس گفت اگر هستی، پس چرا فرار می‌کنی؟ گفتم آخر امام که به نماز جماعت نمی‌رود تا من هم بروم. امام پسرش را به جبهه نمی‌فرستد تا من هم بفرستم. امام به جبهه نمی‌رود تا من هم پشت سرش با خانواده‌ام را به بیافتم. بعد پلیس خنده‌ای کرد و دست از سرم برداشت."



يك صدهزار سال تمام، ما چون سنگ خارا آرمیدیم، سرد چون یخ، سپس، با دینامیت پیا خاستیم و به هیئت کالا درآمدیم.

درکان سنگ، ناله زحمتکشی به آسمان برخاست مته، جرقه زد، انفجار و حریق برخاست، ما، خون و عرق کارگر را تا مغز استخوان نوشیده‌ایم.

ما را در خیابانی کار گذاشتند، کارگری بر ما کوبید و تنگ هم چید، عرق تن او فرو چکید. عرق تنش خشکید، اما نمک آن در سنگ بر جای ماند.

از آن پس، بروی ما هرچیز غلتانی، غلتید، اراه‌ها، کامیون‌ها، و لیموزین‌ها، و با اینحال، ما در سینه سنگ خود گرمای قلب مرد کارگر را احساس می‌کردیم.

يك روز ضربات سنگین هزاران گام را که به خروش آمده بودند، بر سر و روی خود لمس کردیم، جمعیت می‌خواندند، اما آه‌آه فریاد ما برخاست. پشانی سنگی ما يك باره برافروخته و داغ شد.

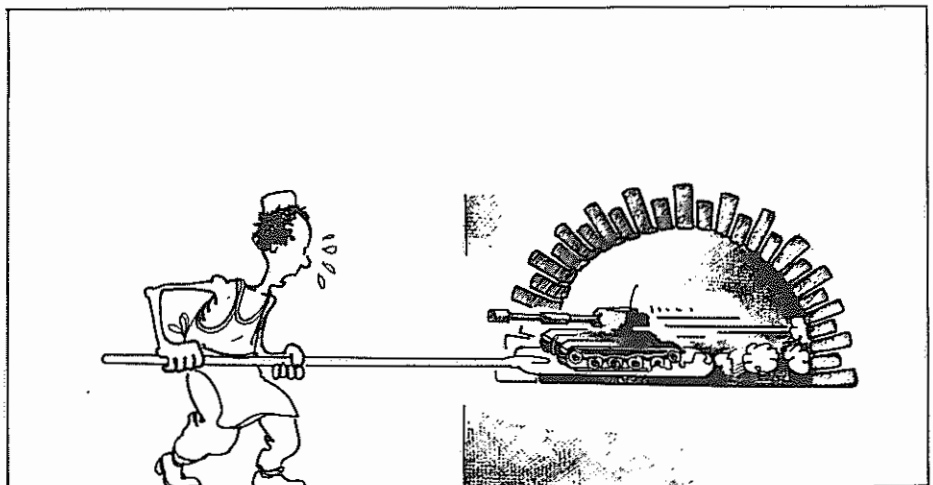
گلوله‌ها در پشانی آبله‌گون ما می‌نشست و آتش و خاک و خاشاک بود که برمی‌خاست. و فرو می‌شد. خون و مغز انسان بود که در کام ما می‌شد و ما از آن خونی که نشت کرده بود نوشیدیم.

آنان ما را از هم دریندند و از سر راه برداشتند. آنگاه ما دیگر سد و مانع بودیم! شنیدیم که قربانی، سلاح خود را بر گرفت. و غریو خشم او را که برخاست. و بار دیگر، آتش و آهن و خاک و خاشاک بود که - فرو می‌ریخت،

ما برادران خود را حفاظت کردیم - با قدرت پشت، و تنه سنگی خود حمله را دفع کردیم.

خون انسان، با خون ما عجین شده، در قلب ما، جریان یافته و ما همواره به نشانه پیروزی بر سر مزار یاران، خواهیم ایستاد.

اریش وینرت (۱۹۵۳ - ۱۸۹۰)



در وردن خدا را گم کردم

وردن در بیلزیک، یاد آور وردن خونگی است که در جنگ جهانی اول میان ارتش های آلمان و فرانسه روی داد. حمله ها به طول انجامید و بدون اینکه به نفعی در خط جبهه بیانجامد، دهها هزار کشته برجای نهاد. وردن، منظور جفاکارانه بودن در میسر انسانی جنگ ارتشهای است.

وردن، مهر شنگ ابدی بر جبین عقیقتاریم است.

ماتس مارکوسا نوشته آلمانی در داستان بلندی بنام "در وردن خدا را گم کردم"، جویم وردن را تصویر می کند. پیش پایان این داستان را در این شماره درج می کنیم.

یک نفر سرش را جلوی سوراخی آورد که از مدتها پیش بدرون آن خزیده بودیم و فریاد کشید: "ولف! بالله، بیا بیرون و پیش فرمانده گروهان برو!"

ولف که مات و مبهوت نشسته بود، برخاست و هنگام رفتن گفت: "از من چه می خواهد؟"

صدا از بالا فریاد زد: "زود باش!"

ولف از میان ماراه خود را باز کرد و از سوراخ بیرون خزید. مابه او خیره شده بودیم و می دانستیم چیز نوبی در انتظار ماست. آتش توپخانه اندکی آرام گرفته بود و ما از بیرون، از راهروی بین سنگرها صدای آدمها، صدای پاهای زیادی که چکمه پوشیده بودند و به زمین خوردن شتابان بیلها را می شنیدیم.

ولف پس از یک ربع ساعت بازگشت.

پرسیدیم: "چه خبر است؟" گفت: "حمله خواهیم کرد!" به خود لرزیدیم.

صدای برنده ای بعد از چند دقیقه از بالا آمد: "یاالله، همه بیایید بیرون!"

در کنار من، صاحب چهره بچگانه ای که می لرزید، گفت: "حالا دیگر درست و حسابی راه می افتد. فکر می کردم تمام شد... خدای من!"

دستش را گرفتم. تمام بدنش مثل اینکه در سرما باشد می لرزید. در کنار هم از سوراخ بیرون رفتیم. چه منظره دهشتناکی! چند کشته درست در جلوی مدخل سنگر ما بودند. گاز و خمپاره، کشته بودشان. در چاله ها خون جمع شده بود. کره برکشت و خواست دوباره به درون سوراخ بخزد.

ستوانی فریاد کشید: "ایست!" در همه جای سنگر سربازان به دیواره ها چسبیده بودند. به ما فرمان دادند همین کار را بکنیم تا هنگام رسیدن دستور حمله آماده باشیم.

آغاز شد. مثل یک توفان سهمگین، در جلو و عقب ما خمپاره ها منفجر می شدند. جنازه ها با تکه های سنگ و خاک به هوا پرتاب می شدند. ارتفاعی که سربازان در پرواز می گرفتند، وحشتناک بود. در هوای دود آلود، به پرنده گانی می مانستند که بالهای خود را باز کنند و بینندند.

بعد از ظهر شد. سپس شب آمد. تا بیشترین عمقی که می توانستیم، در کثافت فرو رفتیم و منتظر شدیم. از فرط صداهای انفجار حرف هم را نمی شنیدیم. شعله ها زبانه می کشید، صغیرها طنین می افکند، پشت ما، جلوی ما، بالای سر ما.

گاه اینجا و آنجا یکی فریاد می کشید. با پیگیری لرزان سر برمی گردانیدیم و سربازانی را می دیدیم که از درد به خود می پیچیدند.

روز فرارسید. سعی کردم از حالت قوز کرده بیرون بیایم، اما بناچار دوباره سرپایین آوردم. یک مین زوزه کشید و به درون سنگر ما افتاد. به نظرم آمد که کله ام کنده شد. ابری از کثافت به هوا برخاست فریاد وحشتناک یک نفر به گوش رسید. فقط اعضای بدن را می دیدم که در گرد و خاک به چشم می خورد. و خون.

سرباز جوان کنار من بانگ زد: "خدای من...!" و پاهای مرا با چنگ خود گرفت:

"این چه بودا!"

با اینکه از ترس دندانهایم به هم می خورد، سعی کردم آرامش کنم. مین دومی آمد. پسرک فریاد کشید و خود را به من فشرده. نیروی وحشتناکی که به ما وارد شد، پرتابمان کرد. پسرک آنچنان محکم به من چسبیده بود که نمی توانستم خود را از دست او رها سازم. به چشمانش که به من خیره شده بودند نگریستم: "این چه بود!"

با خود اورا به جای دیگری کشاندم، چون زوزه مین سومی به گوش رسید. بالاتر از سنگر به زمین خورد. خود را به زمین می فشردیم و نفس ها را حبس کرده بودیم... دلتگ! صدای تکه آهنی بود که درست در کنار من به زمین خورد. پسرک در آغوش من ناله کرد: "آآآ!" چیز مرطوبی به دستم خورد. نگاه کردم. خون بود به پیگیری که دائما بر روی دستام بیشتر سنگینی می کرد نگریستم. جمجمه اش شکافته بود. خود را از چنگالش بیرون کشیدم و مالا مال از وحشت در سنگر دویدم. در کنارم یک چاه جوشان از خاک به هوا برخاست و صدای انفجار طنین

افکند. جستم و باز هم دویدم. یک مین دیگر. به داخل یک گروه نالان پرتاب شدم. کشته ها و زخمی ها. با دستام خاک را می کشدم. بوم! بوم! بوم! بوم! بوم! بوم! بوم! بوم! بوم! بوم!

"گاز!"

دستم به سوی ماسک گاز رفت. فریاد کشیدم: "گمش کرده ام!"

"گاز!"

صدای بمی به گوش رسید، و باز فریادهایی: "گاز!"

از یک جنازه ماسک گازی برداشتم و جلوی صورتم گرفتم. بوم! بوم! بوم! خمپاره ها مین ها.

یک نفر مرا صدا کرد: "آماده شو!" صدایش در مهمه خمپاره ها گم شد.

"بروید بیرون، حمله می کنیم!" به یک تکه خاک چسبیده بودم. سر جوخه ولف بود که می گفت: "بیا، اینجا دخلت را می آورند!" فریاد می کشید. خود را کنار من انداخت و فریاد کشید: "بیا، اینجا هیچ کس زنده نمی ماند!" مرا از سوراخ بیرون کشید.

سربازان از سنگر بیرون می آمدند. زمین از برخورد خمپاره ها می لرزید. دیوانه وار دنبال پناه بودیم و در وسط آتشی که به سویمان روان بود، این سو آن سومی دویدیم. هر جا نگاه می کردم، پراز کشته ها و افراد در حال احتضار بود. سیم خاردار که ۵۰ متر عرض داشت، مملو از سربازان مرده و یا فریادگشان بود.

هر جا قدم می گذاشتم، خون بود. درود آور من، بیابانی شخم زده و وحشتناک بود که در آن دستهای انسانها رویه آسمان بلند می شد: "رحم کن!"

یک سرباز بسیار جوان فرانسوی به زبان فرانسه تضرع می کرد: "خدای من! خدای من!"

هر دو پایش قطع شده بود فریادی طنین افکند: "مادرا!"

چه محصول دهشتناکی. برای چه؟

یادم آمد که کشیش نظامی موقع اعزام ما گفته بود: "از سلاحهایتان در راه خدا بهره گیرید!"

وقتی در میان سربازان زخمی و گرسنه در بیمارستان صحرایی خوابیده بودم، روزنامه ای به دستم رسید.

نوشته بود: "ایمان تزلزل ناپذیر لشکریان دلوار ما بار دیگر پیروزی درخشانی نصیب آنها ساخت!"

خدای من در وردن بر روی سیم خاردار جان داد!

مارکسیسم خطرناک و مارکسیسم بی خطر

بورژوازی اکنون هر "مارکسیسی" را خطرناک نمی‌داند. دیر زمانی است که بورژوازی از "مارکسیسم قانونی" در برابر "مارکسیسم قانون شکن"، از مارکسیسم به مثابه یک تئوری تفسیر کننده جهان، در برابر مارکسیسم تغییر دهنده جهان، و از مارکس محقق در برابر مارکس انقلابی و سازمانگر اقدام انقلابی دفاع می‌کند، و برای مارکسیسم دانشگاهی تریبون وعده و خطابه و برای مارکسیسم انقلابی ممنوعیت و زندان و اعدام، تدارک می‌بیند.

به یک نمونه تاریخی که ماه گذشته سالگرد آن بود، اشاره کنیم. در تاریخ ۲۲ نوامبر سال ۱۹۵۱ دولت آلمان فدرال از دیوان عالی این کشور تقاضا کرد که حزب کمونیست آلمان (ک.ا.پ.د.) ممنوع اعلام شود. بالاخره حقوقدانان سرمایه‌درسال ۱۹۵۶ حکم بر ممنوعیت این حزب دادند و فعالیت حزب کمونیست آلمان به مدت ۱۲ سال منع "قانونی" یافت. حکم دیوان عالی آلمان فدرال، مبنی بر ممنوعیت حزب کمونیست آلمان نشان می‌دهد که بورژوازی، کدام "مارکسیسم" را دشمن خود می‌داند.

حکم چنین است:

حزب کمونیست آلمان اصول بنیادی قانون اساسی را رد می‌کند، چرا که به شکل پیگیرانه‌ای به مارکسیسم - لنینیسم و هدف غایی آن، که همانا تشکیل جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است، پایبند است. این حزب به تئوری مارکسیستی - لنینیستی، نه به مثابه یک نظریه علمی، بلکه به مثابه راهنمای عمل انقلابی می‌نگرد. این حزب می‌خواهد از طریق انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، به هدف نهایی خود دست یابد. پایبندی این حزب به هدف برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، باور ویژه‌ای با نظام دمکراتیک و آزادخواهانه در تضاد است.

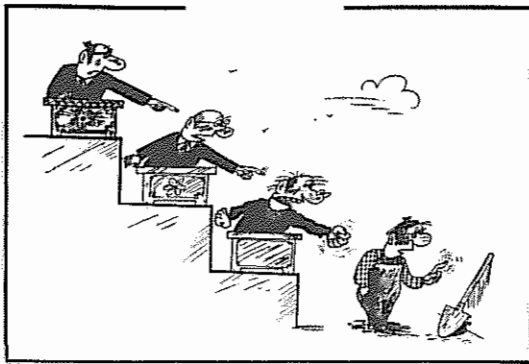
آری اگر مارکسیسم - لنینیسم در حد یک تئوری باقی بماند و هدف انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا را در برابر خود نگذارد، قضات سرمایه‌داری، حاضرند آن را مفتخر به عنوان "تئوری علمی" سازند و به اشاعه آن قانونیت بخشند. اما وای به روزی که این تئوری علمی به راهنمای عمل انقلابی تبدیل شود.

شرایط فراهم نبود!

این فترده یک داستان طنزآمیز از عزیزنمین است: طرف معتقد بود که استعداد نویسندگی دارد. در دوران دبیرستان خواست دست به قلم ببرد. پس از کمی رورفتن با قلم و کاغذ به این نتیجه رسید که شرایط فراهم نیست و برای نوشتن یک اثر عالی، به قلم و کاغذ اعلا نیاز دارد. بالاخره قلم و کاغذ فراهم شد، اما مگر بدون میز تحریر کسی نویسنده از کار درمی‌آید؟ زمانی که دانشجو شد، به یک میز تحریر دست یافت. خواست این بار اثر بزرگش را بر روی کاغذ بیاورد، اما باز هم نتوانست. شرایط فراهم نبود! در اتاق کوچکی که سرودهای کوچکی در آن می‌پیچید، نمی‌توان اثر بزرگی آفرید. بالاخره کاره‌ای شد و در خانه راحتی مستقر گردید. اما باز هم نویسنده ماهه دلیل فراهم نبودن شرایط نتوانست، اثر بزرگش را بیافریند. بدون آرامش نمی‌توان اثر بزرگی خلق کرد و آرامش را باید در آغوش خانواده جست. ازدواج کرد و صاحب خانواده شد. اما این بار صدای گریه بچه اجازه

نداد، اثر بزرگ نگاشته شود. نویسنده ما با خود گفت و باید نخست شرایط مطلوب را فراهم کرد. من به یک خانه ویلایی احتیاج دارم، جایی دنج و راحت که در آن بدون هرگونه مزاحمت بتوانم اثر بزرگم را خلق کنم. پولدار و پولدارتر شد.

ویلا را هم خرید. اتاق بزرگ آراسته‌ای را که پنجره آن چشم انداز بسیار زیبایی داشت، به عنوان اتاق کار برگزید، و در آن یک میز تحریر عالی با صندلی راحت چرخان و قفسه‌های مملو از کتاب مستقر کرد و اعلاترین قلم و کاغذ را برای نوشتن اثر بزرگ تدارک دید. حال شرایط از هر نظر مهیا بود. نویسنده مایست میز نشست و خواست اثر بزرگش را بیافریند. اما به ناگهان مگس سحی آرامش اتاق کار را برهم زد. نویسنده ما بالاخره پس از کمی بازی با قلم و کاغذ، آنها را یکسوی نهاد و با تاسف به خود گفت: اگر مگسها نبودند، اثر بزرگی می‌آفریدم و به عنوان نویسنده‌ای بزرگ، شهرتی عالمگیر می‌یافتم. فقط کاش این مگسها نبودند!



روزنامه نگاری اسلامی

جالب را جمع‌آوری کنید، حلال هم هست و درج آنها هم مسأله‌ای نیست. علمای ما خودشان هم فکاهی داشتند. اسلام فرموده که یک قسمت از وقت خود در لذت‌های غیر حرام صرف کنید. به خودت باید لذت بدی، لذت‌های غیر حرام. این کار لازم است تا بتوانی برنامه‌های دیگر خود را جبران کنی. خوب این گونه مطالب را هم بنویسید.

(روزنامه رسالت - ۲۰ آبان)

از افاضات آخوند حائری شیرازی در مورد روزنامه نگاری: "در بازار تهران یک چلوکبابی بود که هیچ چیز نداشت، تنها یک بالاخانه داشت، اما طی نیم ساعت یک ذره از غذایش هم باقی نمی‌ماند. شما نگاه کنید که روزنامه‌ها، آن چیزهایی که به مردم می‌دهد غذائیت داشته باشد، خوب مردم می‌فهمند که چه چیز غذائیت دارد و چه چیز ندارد. چیزهای جالب و فکاهی‌های

گوشه‌هایی از «معاد»

نوشته آیتا لله دستغیب

ای گمراهان از طریق حق... هر آینه خورندگان از درختی که از زقوم خواهد بود، پس بر کفندگان شکم‌هایتان از زقوم بواسطه شدت گرسنگی، آشامندگان باشید بر بالای آنچه از زقوم خوردید از آبی در نهایت گرمی. در خهر است که عذاب گرسنگی را به دوزخیان مسلط می‌کنند تا به ناچار شکم‌های خود را از زقوم پیرسازند. پس از آن تشنگی را چنان بر آنها چیره می‌کنند و حمیم را بر ایشان عرضه می‌سازند که بسیار از آن می‌آشامند. به قسی گرم است که اندرون آنها را ریزه‌ریزه می‌کند و مرویست اگر قطره‌ای از آن بر کوه‌های دنیا بریزند آنها را متلاشی می‌سازد.

رابطه بهشتیان و جهنمیان: "پس از استقرار بهشتیان در بهشت و دوزخیان در جهنم، روزنه‌هایی بین دوزخ و بهشت باز می‌شود... بهشتیان دوزخیان را ندا کنند و گویند آنچه را که پروردگاران به ما وعده داده است از ثواب‌ها به تحقیق یافتیم آياشامه آنچه را که پروردگارتان وعده داده از عذاب‌ها نیز یافتید گویند بلی رسیدیم به آن عذاب‌ها... مومنین از کفار می‌خندند و آن‌ها را مورد استهزا* و مسخره قرار می‌دهند."

صفحه ۱۵۶ و ۱۵۹

لیافه هُراشیل، "ابراهیم تقاضا کرد که هیئت عزرائیل را هنگام قبض روح کافر ببینند. عرض کرد که طاقت ندارید. فرمود میل دارم ببینم. عزرائیل خودش را به آن هیئت نشان داد و ابراهیم دید صورت مردیست سیاه‌رنگ که سواش پدش ایستاده، پدپو، لباس سیاه پوشیده، از دهان و بینی او شراره آتش و دود خارج می‌شود. ابراهیم غش کرد. پس از به حال آمدن فرمود اگر کافر هیچ عذابی نداشته باشد پس است عذابش در دیدن تو." صفحه ۱۱

خوردنی‌ها و آشامدنی‌های بهشت: "گوشت مرغ از آنچه میل داشته باشند در بهشت موجود است و میوه از هر نوعی که اختیار کنند... در بهشت است چوبهائیکه از آب خالص که دگرگونی ندارد و چوبهایی از شیر است که مزه آن تغییر نکرده و چوبهایی که از شراب ناب که موجب لذت و فرح خورندگان است (یعنی مثل شراب دنیوی که متعفن و مضر و بیهوش کننده می‌باشد نیست بلکه خوشبو و گوارا و بی‌ضرر و زیادکننده هوش و پاک کننده است) و فیض چوبهایی از عمل خالص از جمیع فضولات می‌باشد."

صفحه ۱۲۷ و ۱۲۸

خوردنی‌ها و آشامدنی‌های جهنم: "شما

توسل به بی قانونی

نوشته الکساندر زوتف

ترجمه از "عصر جدید"، شماره ۴۸ سال ۱۹۸۷

بلافاصله پس از آنکه پرچم بریتانیا در مقر کمیسر عالی بریتانیا در فلسطین در روز ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ به زیر کشیده شد، استقلال اسرائیل - "دولتی بیهود در خاک اسرائیل" - اعلام شد. اسرائیل در سرزمینهایی تشکیل شد که صهیونیستها تا آن زمان موفق به غصب آنها شده بودند، بدون اینکه به تقسیم بندیهای ارضی تعیین شده در قطعنامه سازمان ملل توجه شود. تاریخ تراژدی فلسطین شامل رویدادهای آن زمان مانند قتلعام در دهکده دیرباسین (در نزدیکی بیتالمقدس) در نهم آوریل ۱۹۴۸، توسط واحدهای سازمانهای تروریستی صهیونیست به نامهای "استرن" و "یرگون" است. پس از آن قتل عام، هزاران فلسطینی برای نجات جان خود خانههایشان را ترک کردند. تا پایان سال ۱۹۴۹، شمار آوارگان تقریباً به هفتصد و پنجاه هزار، یعنی در حدود نیمی از جمعیت بومی فلسطین در آن زمان رسید.

در اقدامات رهبری صهیونیستها، هیچ چیز تصادفی نبود. همه چیز در تطابق با احکام نظری تئودور هرتسل، بنیانگذار صهیونیسم سیاسی بود. وی در آغاز این قرن نوشت: "در فلسطین کوچک، جایی برای دو ملت نیست. تنها راه حل، می‌تواند فلسطینی بدون اعراب باشد... تنها در این صورت، کشور ما خواهد توانست میلیونها تن از برادران ما را بپذیرد." هرتسل پیشنهاد کرد همه اعراب فلسطین بدون استثنا به کشورهای مجاور عربی انتقال یابند.

وبدین گونه، اسرائیل بنیان نهاده شد. در بیانیه استقلال اسرائیل آمده بود که اسرائیل "گامهای لازم" برای اجرای قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی را برداشته است. بیانیه استقلال این قطعنامه را صرفاً به رسمیت شناختن حق مردم بیهود در تشکیل دولت خود توسط سازمان ملل تفسیر می‌کرد، زیرا این "حق طبیعی هر ملتی است که در کشور مستقل خود، حاکم بر سرنوشت خود باشد." اینکه قطعنامه، همین حق تشکیل دولت مستقل را به اعراب فلسطین نیز می‌داد، فوراً توسط اسرائیل به فراموشی سپرده شد.

پس از آن، رویدادهاروند زیر را طی کردند ارتشهای شماری از کشورهای همسایه عربی که در آن زمان اکثراً رژیمهای سلطنتی طرفدار بریتانیا بر آنها حاکم بودند، با نیروهای مسلح اسرائیل درگیر شدند، اما نا موفق ماندند. موافقت نامه آتشبس که در سال ۱۹۴۹ به امضا رسید، موجودیت علی اسرائیل را در چارچوب مرزهای جدیدی که تقریباً ۵۰ درصد بر قلمرو آن می‌افزود و بیتالمقدس غربی را شامل می‌شد، تثبیت کرد، اما در عین حال به موقعیت جنگ با اعراب پایان نداد. کراته غربی رود اردن، بخشی از اردن شد و نوار غزه تحت اداره مصر درآمد. در سال ۱۹۴۹، اسرائیل به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد و در برابر این واقعیت قرار گرفت که قطعنامه ۱۸۱، مشارکت فلسطینیها را در نظر گرفته بود و قطعنامه ۱۹۴ (۳) به آوارگان فلسطینی حق بازگشت به خانههای خود

مناطق اشغال شده فلسطین، به ویژه نوار غزه، طی دو هفته گذشته شاهد گسترش بیسابقه مبارزات مردم با اشغالگران صهیونیست بود. قیام در غزه، توجه همه جهانیان را بار دیگر به مسئله فلسطین، کانون بحران خاور نزدیک معطوف کرده است. بدین مناسبت، در این شماره مقاله‌ای با عنوان فوق را از هفته نامه شوروی "عصر جدید" که به تاریخچه و وضعیت کنونی مسئله فلسطین می‌پردازد، برگزیده ایم

فلسطین:

تراژدی چهل ساله

ملی یهودی در منطقه را داد، بیش از ۹۰ درصد جمعیت، عرب بودند. از قضا بریتانیاییها به اکثریت عرب نیز قول داده بودند که منطقه تحت قیمومیت خود را به یک دولت عربی تبدیل خواهند کرد.

وقتی قطعنامه ۱۸۱ تصویب شد، فلسطین عملاً غیرقابل کنترل شده بود - واحدهای مسلح از هر دو سو عمل می‌کردند، و اقدامات خونت آمیز انجام می‌گرفت. بریتانیا، در برابر تناقضات "وعده‌های درگانه" به اعراب و یهودیان، اعلام کرد که از قیمومیت اعطایی از سوی جامعه ملل چشمپوشی می‌کند.

بنابراین تصمیم گیری در باره سرنوشت فلسطین بر عهده سازمان ملل قرار گرفت. سازمان ملل دو راه ممکن را بررسی کرد: یا یک دولت واحد با جمعیتی از دو ملیت، و یا شکلگیری دو کشور مستقل برپایه تقسیم به مناطقی با جمعیت غالباً عرب یا یهودی. هیات نمایندگی شوروی از طرح یک دولت مستقل و دمکراتیک عرب - یهودی که در آن هر دو گروه دارای حقوق برابر باشند، پشتیبانی می‌کرد. در ماه مه ۱۹۴۷، اتحاد شوروی اعلام کرد چنین راه حلی می‌تواند مبنای سالمی برای همزیستی مسالمت آمیز و همکاری میان اعراب و یهودیان در فلسطین، و برای صلح و امنیت در خاورمیانه باشد.

اما یک کمیسیون ویژه سازمان ملل به ایسن نتیجه رسید که چنین راه حلی نمی‌تواند مسئله را حل کند. زیرا رهبران صهیونیست هرگز از نقشه های خود برای برپایی یک دولت کاملاً یهودی دست نخواهند کشید. اتحاد شوروی با توجه به ایسن شرایط، خواهان تشکیل دو دولت مستقل شد زیرا راه دیگری که بتواند در عمل تحقق یابد، وجود نداشت. کشورهای عربی مخالف چنین راه حلی بودند. نمایندگان عرب در سازمان ملل آنها را که آماده پشتیبانی از طرح تقسیم فلسطین بودند (از جمله اتحاد شوروی را) مورد انتقاد قرار دادند. آندره گرومیکو رئیس هیات شوروی در توضیح موضع شوروی، در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ سخنانی ایراد کرد که من به آن به عنوان یک پیش بینی اعجاب آور می‌نگرم. وی گفت: "هیات شوروی اعتقاد راسخ دارد که در سالهای آینده، اعراب و کشورهای عربی در موارد زیادی در انتظار کمک اتحاد شوروی به مبارزه آنها برای منافع مشروعشان، به تلاششان برای رهایی از عواقب وابستگی به خارج، به سمت مسکو خواهند نگرست."

چهل سال پیش، در نهم اکتبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه ۱۸۱ را در باره تقسیم فلسطین که در آن زمان تحت قیمومیت بریتانیا بود، به دو دولت مستقل - یک دولت یهود و یک دولت عربی - که اتحاد اقتصادی آنها را به هم پیوند دهد، و نیز اعطای موقعیت حقوقی بین المللی به بیتالمقدس، تصویب کرد.

این، یک تصمیم دشوار بود که در سالهای دشوار پس از جنگ اتخاذ شد. با این حال، ریشه کن شدن فاشیسم الهام بخش خلقهایی بود که هنوز تحت سلطه استعماری و یا در وابستگی شبه استعماری بودند، تا به گونه‌ای فعال پسرای آزادی و حیثیت ملی خود مبارزه کنند. اعراب فلسطین نیز که پیش از جنگ با حکومت نظامی وابسته به بریتانیا مبارزه می‌کردند، بدنبال رهایی ملی بودند. اما آنها تنها با حکومت بریتانیا مبارزه نمی‌کردند. اعراب خود را از سوی این واقعیت که با توافق ضمنی بریتانیا (اعلامیه ۱۹۱۷ بالفور) عرصه برای اجرای نقشه قدیمی صهیونیستی برای ایجاد یک دولت صرفاً یهودی در فلسطین به مثابه بخشی از حق تعیین سرنوشت یهودیان در "میهن تاریخی" خود، کاملاً گشوده بود، مورد تهدید می‌دیدند. فلسطینیها در طرح گردآوری یهودیانی که در طول تقریباً دو هزار سال در سراسر جهان پراکنده شده بودند، در سرزمین فلسطین، نوعی به مبارزه طلبیدن می‌دیدند. انگیزه دیگری که باعث رشد آگاهی ملی و عزم فلسطینیها به دفاع از خود شد، شیوه‌های خشن صهیونیستها در تدارک "جای گرم و نرمی" در فلسطین برای پذیرش شمار بازهم بیشتری از مهاجرین بود.

آغازی سخت

در همان زمان، جامعه جهانی نمی‌توانست جنایات نازیها علیه مردم یهود در اروپا را نادید ه بگیرد. بسیاری از یهودیانی که از ماشین مرگ هیتلر جان سالم به در برده بودند می‌خواستند از وحشتی که از سرگذرانده بودند، بگریزند. موسسات معین صهیونیست، از این امر بهره گرفته، برنامه‌هایی برای انتقال مهاجران جدید به فلسطین سازمان دادند. به این مهاجرین در حین سفر به "میهن تاریخی" خود، این تصور القا می‌شد که برای ایجاد دولت خود در فلسطین، جایی که بتوانند در امنیت زندگی کنند، غصب زمین از اعراب بومی ضرورت دارد. تا ۱۹۴۷، اعراب سه چهارم جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دادند. سه دهه پیش از آن هنگامی که بریتانیا وعده کمک به ایجاد یک سرزمین

را می‌داد. این بدان معنی بود که اسرائیلی‌ها بایست حق اعراب فلسطینی برای تشکیل دولت خود را به رسمیت می‌شناخت.

آنچه این دوره را بسیار مهم می‌کند، این دعای صهیونیست‌هاست که اعراب تنها باید خود را سرزنش کنند، زیرا فرصت خود برای حل مسئله فلسطین را با زیاده‌خواهی، عدم انعطاف و عدم آمادگی پذیرش ایجاد اسرائیل، از دست دادند. اغلب این ادعاها، پوچ است، اما اقدامات حکام عرب در آن زمان به میزان معینی همراه با کوتاه نظری، خودخواهی و عدم توانایی اتخاذ مشترک تصمیمات مهم بود. این همه، بر رنجهای فلسطینی‌ها افزود، اما این امر نمی‌تواند نافی حقوق قانونی آنها باشد.

قطعه نامه شماره ۲۴۲

وقتی ۲۵ سال بعد، در نتیجه "جنگ ۶ روزه" ۱۹۶۷، اسرائیل همه سرزمینهای فلسطین را تصرف کرد، فلسطینی‌ها در مبارزه برای حقوق خود با شرایط نوین و بسیار سخت تری روبرو شدند. کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و بیت‌المقدس شرقی، همگی به اشغال ارتش اسرائیل درآمدند. علیرغم اعتراضات سازمان ملل، الحاق بیت‌المقدس شرقی بلافاصله رسمیت یافت. از آن پس نیز اسرائیل اراضی بیشتری به پیمان "انیا زهای امنیتی" خسود غصب کرد، اسکان استعماری یهودیان را سازمان داد، اقتصاد محلی سرزمینهای اشغالی را قلسج کرد و به الحاق تدریجی سرزمینهای اشغالی فلسطین پرداخت.

هیچ کس نمی‌تواند انتظار داشته باشد که فلسطینی‌ها ناظر بی‌عمل صحنه باشند. البته چنین انتظاری نادرست است. مبارزه برای عدالت در مورد فلسطینی‌ها، محور تلاشها برای دستیابی به راه حلی در خاورمیانه است، به همانگونه که حل مسئله فلسطین، کلید صلح در این منطقه است. در این مبارزه، نقش پیشاهنگ متعلق به سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) است. ساف با تکیه بر حمایت توده‌های مردم فلسطین، در هرکجا که زندگی می‌کنند، می‌کوشد اراضی اشغال شده توسط اسرائیل، یعنی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه را آزاد کند و برای فلسطینی‌ها این امکان را فراهم کند که پس از مدت‌ها از حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل خود طبق همان قطعه نامه‌های سازمان ملل که اسرائیل بر مبنای آنها شکل گرفت، برخوردار شوند.

هرگاه با دقت به رویدادها در خاورمیانه بنگریم، روشن می‌شود که چرا ساف قطعه نامه ۲۴۲ - شورای امنیت، مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ را ناکافی می‌داند. این قطعه نامه ضمن طرح خواست عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از مناطق اشغال شده در "جنگ شش روزه"، تنها به ضرورت حل عادلانه مسئله آوارگان اشاره می‌کند. قطعه نامه همچنین حق همه کشورهای منطقه مبنی بر زندگی در صلح و امنیت، و نیز ضرورت احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی آنها را خاطر نشان می‌کند. مسئله سرنوشت ملت فلسطین با توجه به شرایط ویژه آن مقطع معین، و از آنجا که مسئله اصلی، به حداقل رساندن آثار

مستقیم تجاوز ماه ژوئن اسرائیل بود، در قطعه نامه مطرح نشد.

تل آویو و برخی محافل معین غرب ادعا می‌کنند خود داری سازمان آزادیبخش فلسطین از به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل، علت مخالفت ساف با قطعه نامه ۲۴۲ است. این ادعا صحت ندارد. ساف، همانگونه که می‌توان از بیانیه‌های متعدد رهبران آن دریافت، آماده پذیرش قطعه نامه همراه با همه قطعه نامه‌های دیگری است که سازمان ملل در طول سالها در مورد مسئله فلسطین صادر کرده است. تل آویو بسیاری از این قطعه نامه‌ها را مطلوب نمی‌داند، زیرا این قطعه نامه‌ها اسرائیل را به علت عدم اجرای خواستهای سازمان ملل و احکام قانونی بین‌المللی محکوم می‌کنند. اما همه قطعه نامه‌ها از واقعیت پذیرفته موجودیت اسرائیل به مثابه دولتی با همه حقوق متعلق به یک دولت، و - این را باید افزود - همه وظایف آن، حرکت می‌کنند. وقتی از ساف پذیرش قطعه نامه ۲۴۲ خواسته می‌شود، تنها چیزی که ساف بر آن فشار می‌کند، این است که همزمان با این پذیرش، حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها به مثابه یک ملت نیز باید به رسمیت شناخته شود.

مدتی است که سیاست ساف در قبال حل مسئله خاورمیانه، انعطاف پذیر است و برای توافق‌های معقول جا می‌گذارد. کافی است بگوییم که رهبری ساف اکنون برخورد مثبتی به مذاکره با آن گروههای اجتماعی در اسرائیل که راه حلی عادلانه و صلح‌آمیز را خواهانند، می‌کند. رهبری ساف همچنین آماده مذاکره مستقیم با نمایندگان رسمی اسرائیل در چارچوب یک کنفرانس بین‌المللی درباره خاورمیانه است. اما اسرائیل کماکان مخالف هرگونه مذاکره با ساف است، و این امر بیش از هر چیز دیگر مانع تشکیل کنفرانس صلح است.

تل آویو همراه با واشنگتن مایلند به ساف بر چسب یک جنبش تروریستی بزنند تا آن را برای شرکت در روند صلح "فاقد صلاحیت" قلمداد کنند. قانونی در اسرائیل تصویب شده است که هرگونه تماس با نمایندگان ساف را جرم می‌شمارد. امسال در ایالات متحده تحت فشار محافل صهیونیستی تصمیم گرفته شد فعالیت‌های همه نمایندگان فلسطینی، از جمله نمایندگان ساف در سازمان ملل ممنوع شود (ساف در سازمان ملل موقعیت ناظر دارد و طبق یک قطعه نامه مجمع عمومی و موافقت نامه مشابهی با دبیرکل سازمان ملل، فعالیت می‌کند). تنها دشواریهای حقوقی دست وزارت خارجه آمریکا را از نمایندگان ساف در سازمان ملل کوتاه کرد. اما به هر حال فعالیت‌های این نمایندگان غیرقانونی اعلام شد.

جنبش مقاومت فلسطین، به استفاده از نیروی نظامی و حملات مسلحانه توسل می‌جوید. اما این امر در اصول مغایر با معیارهای حقوق بین‌المللی نیست قوانین بین‌المللی توسل به قهر را هنگامی که مبارزه علیه سرکوب، اشغال خارجی، تبعیض نژادی و یا دیکتاتوری فاحش مطرح باشد، مجاز می‌شمارد. لازم به یاد آوری است که بسیاری از اسرائیلی‌ها، از جمله برخی رهبران سیاسی کاملاً مشهور، خود در

اقدامات تروریستی علیه حکومت نظامی بریتانیا در فلسطین، هنگامی که برای برپایی یک دولت اسرائیلی می‌جنگیدند، شرکت داشتند.

در محکومیت تروریسم

اقدامات تروریستی‌ای که در گذشته گروههای جداگانه فلسطینی انجام دادند، به ساف و منافع کل ملت فلسطین بیش از آنکه خدمت کند لطمه زد. اسرائیل از این اقدامات برای توجیه تروریسم دولتی خود و گسترش آن و نیز به مثابه پوششی برای "دفاع قانونی از خود" بهره گرفت. بعنوان نمونه، به تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ می‌نگریم: این تجاوز تحت عنوان عملیات "صلح برای جلیلیه" آغاز شد، با این ادعا که هدف، حفظ منطقه شمال اسرائیل در برابر حملات فلسطینی‌هاست. در نتیجه، هزاران تن از مردم فلسطینی و لبنانی جان خود را از دست دادند. قتل عام خونین در اردوگاههای صبرا و شتیلا با مشارکت اسرائیلی‌ها انجام گرفت. آنها همچنین صدها فلسطینی را در اردوگاهها به اسارت گرفتند.

طی چند سال گذشته ساف مکرراً اعلام کرده است که تنها عملیات در داخل خود اسرائیل و یا در مناطق عربی تحت اشغال اسرائیل را قانونی می‌داند. یاسر عرفات رهبر ساف دو سال پیش در یک سخنرانی در قاهره اعلام کرد که هرگونه نقض حقوق بشر، از جمله حق زندگی و امنیت را، همانگونه که همه اقدامات تروریستی دولتها، افراد یا گروهها علیه غیر نظامیان بیگناه و غیر مسلح را مضموم می‌شمارد محکوم می‌کند. این امر همچنین به وضوح در بیانیه مشترک صادره در پایان دیدار ژوئن ۱۹۸۷ یسک هیات کمیته اجرایی ساف به ریاست فاروق قدومی از مسکو، آمده است. این بیانیه خاطر نشان می‌کند که ا.ج.س و ساف اقدامات تروریستی افراد، گروهها یا دولتها را شدیداً محکوم می‌کنند و خواهان همکاری بین‌المللی برای ریشه‌کن کردن تروریسم از طرق قانونی‌اند.

مسئله تروریسم نه تنها به حیثیت ساف، بلکه همچنین بطور مستقیم به مسئله دستیابی به یک راه حل همه جانبه در خاورمیانه مربوط می‌شود. اسرائیل هرآنچه در توان دارد انجام می‌دهد تا مقاومت فلسطین را مجموعه‌ای رنگارنگ از اشراری که تا محو اسرائیل از نقشه خاورمیانه، از پای نخواهند نشست معرفی کند. استدلال اسرائیل این است که ساف از شعار ادامه مبارزه تا آزادی سراسر فلسطین دست نکشیده است، و بنا بر این هر نوع تضعیف کنترل اسرائیل بر مناطق اشغال شده فلسطینی، به سود ساف است، تا چه رسد به عقب‌نشینی نیروها، که خطری حیاتی متوجه امنیت و حتی موجودیت اسرائیل خواهد کرد. نتیجه‌گیری اسرائیل از این امر این است که شکست ساف، و بطور کلی جنبش مقاومت فلسطین، شرطی ضروری برای هرگونه راه حل است، راه حلی که تا حد معینی، منافع روزمره آن دسته از فلسطینی‌های خاموشی را که آماده زندگی در یک تحت الحما به اسرائیلند، در نظر بگیرد.

بقیه در صفحه بعد

فلسطین: تراژدی چهل ساله

بقیه از صفحه قبل

اما این مناطق یک رشته عوامل سیاسی مهم را نادیده می‌گیرد. برای هرناظر کما بیش مطلع اکنون روشن است که ساف طرح همزیستی دولست آتی فلسطین با اسرائیل را پذیرفته است. ما در اتحاد شوروی می‌توانیم بگوئیم که میان ما و ساف در مورد پیشنهادهای شوروی در مورد راه حلی در خاورمیانه اختلاف اساسی وجود ندارد. ایمن پیشنهادها بدون ابهام بر حق همه کشورها و ملت‌های خاورمیانه، از جمله اسرائیل، در موجودیتی صلح‌آمیز و امن، تاکید می‌کنند.

همچنین شایان ذکر است که رهبری ساف مدتی که طرح همزیستی فلسطین و اسرائیل بر پایه تحقق حق فلسطینی‌ها و یهودی‌ها در تعیین سرنوشت ملی خود را پذیرفته است. چهل سال است که اسرائیل به مثابه یک دولت وجود دارد. امروز اسرائیل مناطقی را در اشغال دارد که فلسطینی‌ها می‌توانند دولت ملی خود را در آن بنا کنند. باید اذعان کرد که در میان توده‌های فلسطینی، به ویژه در میان آنهایی که در اردوگاه‌های آوارگان در کشورهای مختلف عرب زندگی میکنند، بسیاری هنوز انتظار تحقق شعارهای دیرینی را می‌کشند که زمانی بخشی از منشور ساف (منشور ملی) بود، شعارهایی مبنی بر آزادی فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه. این امر قابل درک است، زیرا آوارگان اغلب صاحبان قبلی (ویا وارثان) آن‌بخشهایی از فلسطین‌اند که دولت اسرائیل در آنها شکل گرفت. اگر آنها موجودیت اسرائیل را به مثابه عمل انجسام شده بپذیرند، این به معنای پایان هر امیدیه به بازگشت به خانه‌هایشان خواهد بود، حتی کسه قطعه‌های سازمان ملل به رسمیت شناخته است. از این رو بود که برای دوازدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین (پارلمان فلسطین) در سال ۱۹۷۴ پذیرش تصمیم برقراری "قدرت ملی فلسطینی" در هر منطقه‌ای که از اشغال اسرائیل آزاد شود، آسان نبود، زیرا این امر در عمل به معنای به رسمیت شناختن موجودیت یک دولت اسرائیلی و یک دولت فلسطینی به موازات هم است.

چه کسی می‌تواند تصمیمات دشوار را اتخاذ کند؟

مسئله حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها فوق‌العاده موم است، زیرا اسرائیل و ایالات متحده می‌کوشند مخالفت خود را با این حق فلسطینی‌ها بدینگونه توضیح دهند که این حق مترادف با حق آنها در تشکیل یک دولت مستقل است. تل‌آویو و واشنگتن هر دو مخالف هرگونه امکان دستیابی فلسطینی‌ها به یک دولت مستقلند. . .

از طریق تشکیل دولتی فلسطینی است که مسئله سرنوشت ملی هم برای ساکنان مناطق اشغالی - کرانه غربی رود اردن و نوار غزه - و هم آندسته از فلسطینی‌هایی که به خارج از کشور خود رانده شده‌اند، می‌تواند حل شود. فلسطینی‌ها با اینکه در کشورهای عربی زندگی می‌کنند (اگر بتوانیم

زندگی در یک اردوگاه آوارگان را زندگی بنامیم) ، با مردم عرب در نیامیخته و شدیداً نیاز به تعلق به کشور خود را احساس می‌کنند. باید واقعیت را در نظر گرفت: این مردم دیگر امکانی برای تحقق خود در بازگشت به خانه‌های قدیمی خود، مثلاً در یافا و حیفا ندارند (زمانی تل‌آویو تنها شهرکی در حومه یافا بود. طبق قطعنامه ۱۸۱، یافا می‌بایست یک منطقه عربی محصور توسط قلمرو اسرائیل باشد). این مردم همچنین به آسانی نخواهند توانست در کرانه غربی رود اردن - تا چه رسد به کرانه غزه که جمعیتی بیش از ظرفیت خود دارد - اسکان یابند، حتی وقتی این مناطق به بخشی از یک دولت فلسطینی تبدیل شوند. علت این امر، ایمن است که شمار این مردم به صدها هزار می‌رسد، و این بسیار بیش از امکانات محدود مناطق فلسطینی مزبور است. بنابراین تقریباً غیرممکن است که دولت آتی فلسطینی به - اگر بخواهیم از اصطلاحات اسرائیلی‌ها استفاده کنیم - مکانی تبدیل شود که در آن فلسطینی‌ها از امکان پراکنده فعلی خود در خارج در آن گردهم آیند. بنابراین تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در عمل به انتقال توده‌های فلسطینی‌ها نخواهد انجامید، بلکه در وهله اول به همه آنها امکان خواهد داد شهروند آن دولت شوند، و از این طریق امکان یابند به گونه‌ای درست و متعادلانه تصمیم خود را درباره محل اقامت خود بگیرند. . .

یک نکته مهم دیگر هم وجود دارد. زمانی که فلسطینی‌ها به حق قانونی تشکیل دولتی مستقل دست یابند، ممکن است ترجیح دهند به گونه‌ای دیگر به این حق تعیین سرنوشت جامعه عمل بپوشانند. فلسطینی‌ها دارای پیوندهای ویژه‌ای با اردنند. آنها در اردن بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. بنابراین کاملاً ممکن است که فلسطینی‌ها تشکیل یک فدراسیون یا کنفدراسیون فلسطینی - اردنی را برگزینند. در حال حاضر بسیار در باره این راه حل سخن می‌گویند، و در باره آن در اسرائیل و در غرب بحث می‌کنند، اما اغلب مسئله را بدین طریق مطرح می‌کنند. اردن در ترکیب جمعیت خود تقریباً یک دولت فلسطینی است، و فلسطینی‌ها، مثلاً فلسطینی‌های کرانه غربی، می‌توانند به این یا آن شکل در راه حلی که ملک حسین پادشاه اردن بر سر آن در مذاکرات مستقیم با اسرائیل به توافق خواهد رسید، به اردن بپیوندند. برخی نمایندگان فلسطینی می‌توانند در چنین مذاکراتی شرکت داده شوند، به شرطی که علناً از ساف حمایت نکنند. این مکانیزمی است که "طرح ریگان" برای خاورمیانه که پنج سال پیش مطرح شد، در نظر گرفته است. فلسطینی‌ها - و نه تنها رهبری ساف، بلکه توده‌های فلسطینی - با چنین الگوهایی به شدت مخالفند. روشن است که تصمیمات دشوار و توافقی‌های دردناک را تنها رهبران نیرومند می‌توانند تحقق بخشند، رهبرانی که سازش ناپذیری آنها زیانزد باشد. تنها آنها هستند که می‌توانند توده‌ها را در مورد ضرورت سازش توجیه کنند. . .

هیچ کس به جز این سازمان که تنها نماینده قانونی و مورد پذیرش عمومی مردم فلسطین است،

قادر به انجام وظیفه دشوار موافقت با فرمولی برای راه حلی که بطور اجتناب ناپذیر، حاوی چشمپوشی از بسیاری از آن چیزهایی که میلیون‌ها فلسطینی از آن خود می‌دانند، خواهد بود، نیست.

آیا ساف به اندازه کافی نیرومند هست که بتواند به لحاظ سیاسی شجاعانه عمل کند و از موقعیت، ارزیابی واقع بینانه داشته باشد؟

آیا بار مسئولیت تاریخی، این سازمان را در هم خواهد شکست؟ این سئوالات کاملاً موجه هستند، به خصوص اگر در نظر گیریم که اسرائیل هرآنچه در توان داشته انجام داده است تا کمر جنبش مقاومت فلسطین را بشکند (نمونه تجاوز به لبنان) و ساف را از رهبران خود محروم کند (نمونه حمله هوایی راهزانه به مقر ساف در تونس). جنبش فلسطین دوره‌هایی واقعاً سخت را از سرگذرانده است. کار حتی به شکاف در صفوف آن و دشواریهای جدی در روابط ساف با تعدادی از کشورهای عربی، به ویژه سوریه کشید، و این در حالی است که بدون همکاری نزدیک با سوریه، مبارزه فلسطینی‌ها امکان اندکی برای موفق شدن دارد. این موقعیت ضعف و پراکندگی اکنون رو به برطرف شدن است. گواهی بر این امر، اجلاس موفقیت آمیز احیای وحدت، اجلاس هجدهم شورای ملی فلسطین در الجزایر در آوریل گذشته است. در حمایت توده خلش فلسطین از ساف خللی وارد نشده است. مردم محروم فلسطین تنها به این سازمان، تنها نماینده قانونی خود، اختیار شرکت در مذاکرات صلح در چارچوب یک کنفرانس بین‌المللی خاورمیانه را می‌دهند. و تنها شرکت ساف در چنین کنفرانسی می‌تواند به پذیرش تصمیماتی در باره مسئله فلسطین بی‌انجام که برای فلسطینی‌ها قابل درک و پذیرش باشد. ●

قیام در نوار غزه

بقیه از صفحه اول

در کرانه غربی رود اردن نیز تظاهرات انجام گرفت. در اردوگاهی در نزدیکی نابلس مقررات منع عبور و مرور برقرار شد. رام‌الله واقع در کرانه غربی رود اردن نظیر نوار غزه شاهد ساختن سنگر از سوی مردم بود.

در روز سه‌شنبه ۱۵ دسامبر، نیروهای ارتش اسرائیل به یک بیمارستان در غزه که مردم در آن پناه گرفته بودند حمله ور شدند و در این حمله خشونت بی‌سابقه‌ای از خود نشان دادند.

ارتش اسرائیل در واکنش نسبت به گسترش جنبش در غزه، نیروهای اضافی به این منطقه گسیل داشت. در روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر، نیروهای صهیونیست برای سرکوب مردم از تانک استفاده کردند.

اتحادیه عرب برای بررسی وقایع اخیر در نوار غزه در تونس اجلاس فوق‌العاده‌ای تشکیل داد. شانزده قلمی دبیر کل اتحادیه عرب از سازمان ملل متحد خواست جلوی عملیات سرکوبگرانه اشغالگران را بگیرد. ●

کنفرانس کشوری حزب کمونیست رومانی

در روز دوشنبه ۱۴ دسامبر، کنفرانس کشوری حزب کمونیست رومانی در بخارست آغاز به کار کرد. در این کنفرانس سه روز به بیش از سه هزار نماینده از سوی ۳/۷ میلیون عضو حزب شرکت کردند. نیکلای چائوشکو دبیرکل حزب به ارائه بیانی از رشد اجتماعی - اقتصادی کشور از هنگام کنگره سیزدهم حزب پرداخت.

چائوشکو از یک رشته نواقص جدی در اجرای برنامه اقتصادی در سال جاری انتقاد کرد. وی گفت به ویژه در بخش انرژی و نیز شاخه های ماشین سازی و به ویژه صادرات، اهداف برنامه تحقق نیافته اند. چائوشکو افزایش ده درصدی دستمزد-

ها را در نیمه دوم سال ۱۹۸۸ اعلام کرد. این افزایش به طور تدریجی و تا سال ۱۹۸۹ انجام گرفت. دبیرکل حزب کمونیست رومانی اظهار داشت مسئله حقوق بازنشستگی نیز بررسی خواهد شد. وی خواهان انجام همه گونه تلاش برای بازپرداخت وامهای خارجی گردید و افزود رومانی باید تا سال ۱۹۹۰ "از یک کشور سوسیالیستی رشد یافته به کشوری با رشد متوسط تبدیل شود".

چائوشکو در رابطه با سیاست خارجی بر اهمیت امضای قرارداد محو موشکهای میان برد بین اتحاد شوروی و ایالات متحده تاکید کرد.

کره جنوبی: "انتخابات" ریاست جمهوری

در روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر، "انتخابات" ریاست جمهوری در کره جنوبی برگزار شد. سه کاندیدای اصلی در این انتخابات شرکت داشتند: روتاویو ژنرال سابق و نامزد حزب حاکم دیکتاتوری، کیم یونگ سام نماینده جناح محافظه کار اپوزیسیون بورژوازی و کیم لای جونگ نماینده بورژوازی لیبرال اپوزیسیون بورژوازی کره جنوبی نتوانست در تعیین یک کاندیدا در برابر کاندیدای حکومتی توافق کند. "انتخابات" همراه با موجی از تقلب، تهدید و فشار از سوی رژیم نظامی انجام گرفت. به عنوان نمونه، کامیونهای حاوی "صندوقهای رای" با آرای

به سود کاندیدای حکومتی رفت و آمد می کردند و ناظران اپوزیسیون، یک کامیون را متوقف کرده بار آن را به نمایش گذاشتند. همزمان با اعلام نتایج "انتخابات" حاکی از پیروزی روتای و با کسب ۳۶ درصد آرا، "تظاهرات گسترده ای در سئول و سایر شهرهای کره جنوبی برگزار شد. اپوزیسیون در کره جنوبی "انتخابات" چهارشنبه را "گودنای نظامی در لافافه" نامید. ناظران معتقدند با برگزاری "انتخابات" به صورت یک مضحکه، کره جنوبی در انتظار روزها، هفته ها و ماههای نا آرامی است.

اعتصابات کارگری در برزیل

وزارت کار برزیل اعلام کرد در ۹ ماهه اول سال جاری، ۱۶۰۰ مورد اعتصاب کارگری در این کشور روی داده است. این رقم، ۷۰ درصد بیش از مدت مشابه سال پیش است. در این اعتصابات در حدود ۶ میلیون کارگر شرکت کرده اند.

در ماه اکتبر اعتصابات کارگری افزایش یافته اند. مرکز مطالعات آماری و اقتصادی سندیکایی در برزیل اعلام کرده است فاصله میان سطح لازم افزایش دستمزد با توجه به تورم و سطح واقعی

اعتصاب عمومی در بنگلادش

در روز شنبه ۱۲ دسامبر، بنگلادش شاهد یک اعتصاب سراسری علیه رژیم نظامی ژنرال ارشاد بود.

این اعتصاب به درگیریهای سختی میان پلیس و مردم انجامید. اعتصاب، بخشهای وسیعی از بنگلادش را فلج کرد. در داکا پایتخت بنگلادش و در شهر کولنا، حمله مسلحانه پلیس به مسرمد به قتل سه تن انجامید. در بندر چیتاگانگ پلیس به یک تظاهرات حمله ور شد و ۱۰۰ نفر را مجروح کرد.

احزاب اپوزیسیون بنگلادش با برگزاری اعتصاب هدف وادار کردن ارشاد به کناره گیری را دنبال می کنند.

گزارش مطبوعات ترکیه در مورد

شکنجه کوتلو و سارگین

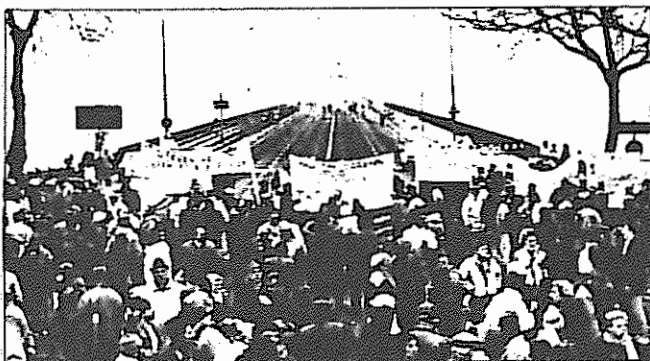
مطبوعات چاپ ترکیه برای نخستین بار گزارش هایی درباره شکنجه حیدر کوتلو و نیهات سارگین رهبران حزب متحد کمونیست این کشور در مقرر مرکزی پلیس در آنکارا به چاپ رساندند. در این گزارشها به نامه های اعتراضی کوتلو و سارگین به دادستانی استناد شده است. کوتلو و سارگین در نامه های خود خواهان مجازات عوامل شکنجه شدند.

بنا به گزارشهای مزبور، حیدر کوتلو دبیر کل حزب کمونیست ترکیه به مدت ۱۰ روز با چشمان و دستهای بسته روی یک صندلی نشاند شده بود. شکنجه گران مانع خواب او شده، آب سرد را با فشار زیاد به روی او می گرفتند و به کوتلو شوک الکتریکی وارد می کردند. موارد مشابهی نیز در نامه سارگین ذکر شده است. کوتلو و سارگین خبر از تزییق داروهای شیمیایی به آنها برای شکستن اراده شان داده اند.

اعتصاب در یونان

در روز سه شنبه ۱۵ دسامبر، ۱/۵ میلیون زحمتکش یونانی در اعتراض به ادامه سیاست انتقال بار بحران به دوش خود دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. دعوت به اعتصاب از سوی اتحادیه سندیکا های یونان انجام گرفته بود. این اتحادیه خواهان ۱۶ درصد افزایش دستمزدها به ازای تورم شدید سالهای گذشته است.

در اعتصاب سه شنبه گذشته، کارخانجات، مدارس، ادارات و بانکها دست از کار کشیدند. در آتن نزدیک به ۴۰ هزار نفر در تظاهراتی به سیاست راستگرایانه دولت پاپاندروا اعتراض کردند. دولت پاپاندروا در صدد است در سال ۱۹۸۸ مانع افزایش عمده دستمزدها شود. ناظران اقتصادی کاهش قدرت خرید واقعی مردم یونان ظرف دو سال گذشته را در حدود ۱۵ درصد تخمین می زنند.



دست به اعتصاب زده به مدت یک روز با ایجاد راهبندان، کل این منطقه را فلج کردند. عکس، مسدود کردن یک پل در شهر دو بیسبورگ را نشان می دهد.

*همانگونه که در "اکثریت" شماره گذشته گزارش دادیم کارگران منطقه صنعتی "رور" در آلمان فدرال در اعتراض به نقشه انحصارات برای اخراج هزاران تن از کارگران صنایع فولادسازی،

کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه:

گامی در راه تحکیم صفوف حزب

کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه، که خبر تشکیل آن را در شماره های گذشته نشریه درج کردیم، در تاریخ کنگره های حزب ویژگی های برجسته ای - داشت که از آن جمله بود روح مبارزه جویانه حاکم بر آن، تحکیم وحدت حزب و انترناسیونالیسم عمیق حزب کمونیست فرانسه که در این کنگره مورد تاکید بخصوص قرار گرفت. به مدت ۵ روز، ۱۷۰۴ نماینده، اراده مشترک ۶۰۰ هزار کمونیست فرانسوی را در بحثی زنده، شکل دادند. در این بحث موفقیت ها و شکست ها، تجارب دیرین و شناخت های نوین، خطرات و اقدام برای رفع آنها محور بودند.

ژرژ مارش دبیر کل حزب در گزارش کمیته مرکزی به تفصیل به این موضوعات پرداخت. وی گفت حزب با استواری در موضع طبقه کارگرومبارزه طبقاتی پرولتری ایستاده است، اما در عین حال آماده همکاری گسترده با متحدان بالقوه در جامعه است. ما ریشه افزود حزب سوسیالیسم را هدف قرار داده، از مارکسیسم پیروی می کند و مخالف هرگونه تلاش برای "سوسیال دمکرات کردن" حزب

است. در عین حال دبیرکل حزب کمونیست فرانسه خواهان تشکیل "اتحاد برای چرخش" با مشارکت حزب کمونیست و همه نیروهای دمکرات فرانسه شد. مارش گفت حزب تحت شرایطی آماده است در آینده نیز اگر جنبش برای کسب اکثریتی جدید با موفقیت همراه باشد، مسئولیت شرکت در دولت را بپذیرد. وی افزود حزب باید اتحاد های موجود با سوسیالیست ها در سطح محلی را که در بسیاری نقاط وجود دارد، ادامه دهد.

دبیرکل حزب کمونیست فرانسه اظهار داشت نقشه پیروژون عضو سابق کمیته مرکزی که از حزب اخراج شد، برای راندن حزب به سمت راست، توسط کمونیست ها افشا و نقش بر آب شد. امروز ژون که در کنگره ۲۵ نقش معینی داشت، دیستر در حزب فاقد هر نقشی است. هیچ یک از ۴۶۴۹ عضو کمیته های محلی که از آنها نظرخواهی شد، از نامزدی ژون در انتخابات ریاست جمهوری حمایت نکرده اند. حزب، متحدتر از هر زمان است و یکپارچه تر از همیشه از کاندیدای خود، آندره لاژوانی پشتیبانی می کند.

مارش در گزارش خود، قرارداد شوروی - آمریکا در باره محو سلاح های میان برد را "گامی عظیم به جلو" و "رویدادی تاریخی" خواند. وی تلاش های دولت های فرانسه و آلمان فدرال برای ایجاد "یک محور نظامی اروپایی میان پاریس و بن" و نیز گرایش مداوم محافل حاکم فرانسه به افزایش تسلیحات را شدیداً محکوم کرد. نمایندگان کنگره در سخنان خود به تشریح عواقب یورش گسترده سرمایه به حقوق کارگران و رفاه مردم فرانسه، پرداختند. یک نماینده اظهار داشت بیکاری و فقر که ابعاد هرچه گسترده تری می یابد، قربانیان این فجایع را به طور خود به خودی به سمت کمونیست ها سوق نمی دهد، بلکه مبارزه ای پیگیر در دفاع از حقوق قربانیان نظام سرمایه داری و کار مداوم روشنگرانه لازم است تا آنها از علل فلاکت خود آگاه گردند. در کنگره بارها به این امر اشاره شد که تغییرات ساختاری در طبقه کارگر به علت انقلاب علمی - فنی تیز به دشواری های در کار حزب می انجامد.

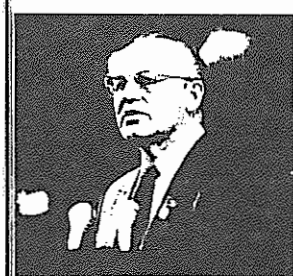
نمایندگان ۱۱۶ حزب برادر و سازمان های دوست خارجی در کنگره حزب کمونیست فرانسه شرکت داشتند. به دعوت حزب کمونیست فرانسه از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در کنگره شرکت کرد.

منتشر شد

از سوی انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" شماره دوم از سری کتاب های "سناد جنبش کارگری کمونیستی" منتشر شد. این کتاب "اکتبرونوسازی: انقلاب ادامه دارد" نام دارد و گزارش رفیق میخائیل گارباچف بناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را شامل می شود.

میخائیل گارباچف در آغاز این گزارش خود ابراز داشت:

اسامه خضی کارگری و کمونیست

گزارش میخائیل گارباچف
بناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبراکتبرونوسازی:
انقلاب ادامه دارد

هفتادسال ما را از روزهای فراموش نشدنی اکتبر ۱۹۱۷ جدای کند. روزهایی حماسه آفرین که آغاز عصر نوین پیشرفت اجتماعی و تاریخ راستین بودند. اکتبر براستی "ستاره باران" بشریت و طلوع سپیده دم آن بود. انقلاب اکتبر، انقلاب خلق و برای خلق، و برای انسان و برای آزادی و رشد و تکامل او بود.

توضیح:

به علت تعطیلات سال نو میلادی که رساندن به موقع نشریه به دست خوانندگان را ناممکن می کند شماره ۱۸۹ "اکثریت" در روز دوشنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۶۶ برابر با چهارم ژانویه ۱۹۸۸ انتشار خواهد یافت.

تصحیح:

متأسفانه در شماره ۱۸۷ نشریه "اکثریت" اشتباهی پدید آمد: - ادامه مقاله "دیروز و وحید گرجی را ... " از صفحه اول زیرتیتل مقاله "تجارت انسان" به چاپ رسید و بالعکس.

برای اشتراك نثریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «کار»:	<input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله
۱۶ مارک	۱۴ مارک	۲۷	۳۰

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «اکثریت»:	<input type="checkbox"/> سه ماهه <input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله
۳۶ مارک	۳۳ مارک	۶۴	۷۰
		۱۲۵	۱۳۸

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 188
MONDAY, 21 DEC, 87

آدرس:
Address:
RUZBEN
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید